

توان یاب

سال پانزدهم شماره ۵۶
(تأیستان ۱۳۹۴)

۲	سرمقاله
۳	در صدی از تولیداتمان را به موضوع معلولیت اختصاص داده ایم
۶	توجه به موضوع معلولیت، از وظایف ذاتی تلویزیون است
۱۰	هدف ما این است که هیچ توانیاب ماهری، بدون شغل نباشد!
۱۴	رسانه های تخصصی حوزه معلولان، به زودی...
۱۸	انعکاس معلولیت در آثار سینمایی بر مبنای الگوهای رایج
۱۹	سیزده مستند برای شهر بدون مانع!
۲۳	معرفی سایت شمعدانی
۲۴	هدف من، شرکت در جشنواره های بین المللی است
۲۸	زمزمه سعید محمودی
۲۹	معلولان در آئینه رسانه ها
۳۳	برگزاری جشنواره با موضوع معلولیت..
۳۷	نقش رسانه ها در خلق تصاویر معلولیت
۴۰	زمزمه
۴۳	نقش رسانه در زندگی افراد دارای معلولیت
۴۴	نقص جسمانی نباید مانع خوشبختی شود
۴۸	معرفی آک. جانی؛ هنرپیشه و رهبر ارکستر بدون پا
۴۹	چارلی چاپلین می گوید؛
۵۰	انگور، میوه بهشتی
۵۲	مدیریت استرس
۵۵	معرفی کتاب
۵۶	اخبار رعد



صاحب امتیاز:
مجمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح خو
سرمدیو:



دکتر مریم رسولیان
مدیر اجرایی:
رضا سخن سنج
دیور تحریریه:
هاله باستانی
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
سودابه بیات، نازنین رحیمزاده، نگین
موسوی پورمهرام
مرجم:



علی مجتهدزاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه آرایی: بهناز گودرزی
عکاس: نازیلا صادقی
حروفچینی: سودابه بیات
سورای سباست گذاری:
صدیقه اکبری، عبدا. توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمد رضا دشتی



نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
(قدس) فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان
پیروزان جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:
۱۴۴-۱۴۶۶۵
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶
۸۸۰۷۶۳۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان یاب از دریافت مقالات و دیدگاه های صاحب نظران استقبال می کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی شود. توان یاب در ویرایش و گوناگون کردن مطالب آزاد است

وجود تنوع یا تفاوت در ظاهر؛ رفتار و توانایی‌های افراد پدیده‌ای مورد قبول همگان است. یک جامعه سالم و پویا به توانایی‌های مختلف و نقش‌های متفاوت نیاز دارد و به همین دلیل جوامعی که سعی در به رسمیت شناختن تفاوت‌ها دارند؛ بستری برای رشد توانایی‌های متفاوت افراد فراهم کرده و به دلیل دسترسی به منابع گسترده به رشد و توسعه بیشتری دست پیدا می‌کنند. پذیرش تفاوت‌ها در جامعه نیاز به توجه ویژه و کار فرهنگی دارد. از آن جا که هنر هفتم در پذیرش تفاوت‌ها در افکار عمومی تاثیرگذار و نقش‌آفرین است؛ در این شماره از توانیاب به نقش سیما و سینما در برخورد با پدیده معلولیت می‌پردازیم.

معلم در کلاس درس با دانش‌آموزی برخورد می‌کند که به درس شیمی علاقه‌ای ندارد یا استعدادش را ندارد. اگر همه تلاش معلم عطف به جبران این کاستی باشد، ممکن است موفق نشود و نتیجه منطقی این عدم موفقیت احساس ناکامی و عصبانیت معلم و کاهش عزت‌نفس دانش‌آموز است؛ این روش معلم تمرکز بر هدفی است که با صرف انرژی فراوان بازده کمی دارد. اما اگر تمرکز بر توانایی یا علاقه به جای ناتوانی یا بی‌علاقگی دانش‌آموز گذاشته شود بهره‌وری افزایش پیدا می‌کند. جستجوی نقطه قوت یا علاقه‌مندی می‌تواند اسباب رشد دانش‌آموز را فراهم آورد. به عبارتی به جای این که به ماهی زندگی کردن در خشکی را یاد دهد اگر می‌تواند او را به دریا اندازد و اگر هم نه طرف آبی برایش فراهم کند، مسلماً این کار سهل‌تر و نتیجه بخش‌تر است.

پذیرش توانایی و علاقه‌مندی افراد بدون صرف انرژی برای تغییر اجباری؛ رویکردی است که منجر به رشد خلاقیت‌ها و توانمندی افراد می‌شود. ترویج و تشویق پذیرش ظرفیت و توانایی افراد؛ پذیرش حق زندگی برای همه با هر میزان توانایی یا ناتوانی جسمی و روانی و پذیرش سبک‌های متفاوت زندگی؛ همه و همه راه‌هایی برای رشد توانایی و احساس مثبت بودن افراد است. ترویج و تشویق این نگاه در سریال‌های تلویزیونی فیلم‌های سینمایی کوتاه و بلند و مستندها و... در تغییر نگاه جامعه به پدیده معلولیت و پذیرش سبک‌های متفاوت زندگی نقش زیادی دارد. اگر تصویر زندگی افراد دارای معلولیت؛ تصویر موفقیت‌ها و ناکامی‌های روزمره زندگی آنان بدون تمرکز بر معلولیت باشد و پذیرش این که هر فرد دارای معلولیتی علاوه بر چالش‌های ناشی از معلولیت چالش‌های زندگی روزمره خود را هم دارد. یک فرد دارای معلولیت فارغ از معلولیتش حق دارد از همه مواهب زندگی بهره ببرد و به تصویر کشیدن ابعاد زندگی او چشم جامعه را با معلولیت و نیازهای افراد دارای معلولیت آشنا کرده و پذیرش افراد دارای معلولیت را برای کل جامعه قابل قبول می‌کند.

به امید روزی که آشنایی مردم با پدیده معلولیت سبب معاشرت‌های اجتماعی؛ انسانی و پذیرش ویژگی‌های متفاوت افراد؛ جایگزین نگاه‌های ترحم‌آمیز؛ قضاوت کردن افراد دارای معلولیت به صورت فردی نیازمند به کمک مالی و یا ابراز تأسف و دلسوزی شود.

سردبیر

سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد، مدیرعامل مرکز گسترش سینمای طولانی در مدیریت، تهیه‌کنندگی در سینمای جمهوری اسلامی، مدیریت‌های مختلف و داوری در جشنواره‌های فیلم را دارد، تدریس در دانشگاه پیام نور را هم دنبال می‌کند. موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد این مدیر رسانه‌ای، نقش پارک‌های شهری در توسعه پایدار شهرهاست که در آن به موضوع مناسب سازی برای استفاده همه شهروندان با هر نوع توانایی جسمی پرداخته‌است. با ایشان به دلیل اشرافی که به موضوع معلولیت و جایگاه موثری که در آن مدیریت می‌کند به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.



درصدی از

تولیداتمان به موضوع معلولیت اختصاص دارد

سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد | مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی

مرتفع شوند، متمرکز می‌شود. در این برنامه مشکلات و کمبودها بیان و پیگیری می‌شدند. این برنامه در آن زمان اثرگذاری خیلی خوبی داشت و موفق بود. کارکرد فیلم مستند و داستانی خصوصاً فیلم مستند به این دلیل که خیلی بی‌پیرایه و مستقیم به سراغ موضوعی می‌رود و آن را صریح و آشکار در معرض دید عموم قرار می‌دهد، بسیار حیاتی است. بدیهی است که مشکلات عزیزان دارای معلولیت فقط معطوف و محدود به مسائل شهری نیست، آموزش آنها، اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی آنان و مشکلات حضور آنان در محیط کار و تحصیل و البته توانایی‌های آنان همه باید دیده شوند که متأسفانه در جامعه مورد غفلت قرار گرفته است.

بخش مهمی از فعالیت‌های اجتماعی جامعه می‌تواند به افراد دارای معلولیت واگذار و محول شود و این افراد می‌توانند به شایستگی از عهده این وظایف برآیند. اینکه گفته می‌شود معلولیت، محدودیت است به نظر من درست نیست. چون پیش از اینکه نقص جسمانی برای این افراد محدودیت ایجاد کرده باشد، این جامعه است که آنها را محدود می‌کند. چندی پیش فیلم مستندی به نام خواهرم

هر لحظه‌ای ممکن است بیافتد، آیا شهرهای ما شهرهایی هستند که آمادگی زندگی این افراد را داشته باشند؟ کافی است یک روز خودمان را به جای کسی بگذاریم که یک سری از توانایی‌هایش را از دست داده است. مثلاً یک روز خودمان را بر روی ویلچر تصور کنیم، آیا در این شرایط می‌توانیم از فضای پارک‌ها استفاده کنیم؟ آیا می‌توانیم وارد اماکن عمومی مثل بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها شویم؟ آیا می‌توانیم بدون کمک دیگران ارزاق عمومی‌مان را تهیه کنیم؟ به نظر پاسخ با یک روز گشتن در محیط‌های شهری کاملاً معلوم می‌شود. اینچنین مسائل و مشکلاتی را چه کسانی باید به مدیران شهری گوشزد کنند؟ نقشی که یک رسانه به خصوص رسانه مستند و فیلم مستند می‌تواند داشته باشد این است که چنین کاستی‌هایی را در معرض دید همگان و به‌خصوص مدیران شهری قرار دهد.

سال‌ها پیش که مدیر گروه فرهنگ و هنر در شبکه اول سیما بودم برنامه‌ای داشتیم به نام مجله فرهنگی و هنری و در این مجله، آیتیمی داشتیم به نام «تلنگر» که روی موضوعات شهری که باید دیده شوند و اشکالاتی که باید

آقای طباطبایی نژاد، آمار می‌گوید که ده درصد جمعیت جهان را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند که این تعداد براساس این آمار در کشور ما جمعیت زیادی را شامل می‌شود و این در حالی است که کشور ما آمادگی زندگی مناسب برای این افراد را ندارد. با توجه به مسوولیتی که شما در یک نهاد رسانه‌ای دارید چه نقشی برای رسانه و سینما در پرداختن به مسأله معلولیت قایلید؟ یکی از مهم‌ترین و ضرورت‌های خدماتی که برعهده رسانه است از رسانه‌های مکتوب گرفته تا سینما که وجه رسانه‌هایش ذیل وجه هنری و صنعتی‌اش تعریف می‌شود، بحث آموزش است. سینمای مستند نیز تمام وظایف رسانه از جمله آموزش را برعهده دارد. کارکرد رسانه کارکرد بسیار مهمی است و هر خدمتی که جامعه باید برای همه اقشار مردم انجام بدهد مخصوصاً بخشی از جامعه که نیاز به حمایت بیشتری دارند، باید در رسانه تعریف شود. رسانه چشم بینای جامعه است. شخصی را در نظر بگیرید که توانایی جسمانی‌اش در اثر حادثه، بیماری یا به صورت مادرزادی با کاستی‌هایی روبه‌رو شده است، اتفاقی که برای هر یک از ما و هر یک از افراد خانواده‌مان در



شماره ۴۸، تابستان ۱۳۹۳

محدثه را دیدم که قصه دختر بچه‌های است که از نبوغ ورزشی برخوردار است. او که در شهر شهر قم زندگی می‌کند، در سن هفت، هشت سالگی قهرمان ژیمناستیک می‌شود و آنچنان پیشرفت می‌کند که به توصیه مربیان برای ادامه کار به تهران معرفی می‌شود. مسوولین ورزشی از توانایی این دختر بچه شگفت‌زده می‌شوند و این دختر در ۹ سالگی وارد تیم ملی ژیمناستیک می‌شود. در همان روزی که مسابقات انتخابی تیم ملی در تهران برگزار می‌شود او از قم به تهران حرکت می‌کند و در جاده تصادف می‌کند و دچار قطع نخاع می‌شود. محدثه مدتی دچار افسردگی می‌شود ولی بعد از مدتی به کمک خانواده تلاش می‌کند که وجه دیگری از توانایی‌هایش را پیدا کند. این خانم اکنون یکی از قهرمانان تیراندازی ایران است و امسال در مسابقات پارالمپیک شرکت کرد و حایز رتبه جهانی شد. این فیلم بسیار شوق انگیز و انگیزه آور است که به نظر من باید برای همه افراد دارای معلولیت نمایش داده شود. اینکه فردی در ناامیدی مطلق، هنگامی که تمام آرزوهایش را بر باد رفته می‌بیند با کمک خانواده و مشاورینش تلاش می‌کند و وجه دیگری از توانایی و استعدادش را به کار می‌گیرد و تبدیل به یک قهرمان می‌شود، بسیار قابل تامل است و سینمای مستند این قابلیت را دارد که به این موارد توجه کند. یک طیف دیگر ماجرا، مدیران شهری هستند که نقش تصمیم‌گیرنده را دارند و باید خیلی جدی‌تر به فراهم کردن شرایط زندگی مناسب برای این افراد توجه کنند. نقش واسطه، نقش رسانه است که می‌تواند مقدمه‌ای برای تصمیم‌سازی در مدیریت اجرایی جامعه باشد. این کارکرد، کارکرد جدی و اثرگذاری است. من می‌توانم ده‌ها فیلم را بر شمرم که توانسته بر هر دو وجه اثرگذار باشد و بخش عظیمی از کم توانان جسمی و حرکتی را تشویق و ترغیب به فعالیت کند. مثال دیگر از سینمای مستند، فیلم عروسک کاموایی است که در سال گذشته جایزه اول بخش سینما حقیقت را گرفت. این فیلم داستان دختری از یک خانواده روستایی است که معلولیت جسمی بسیار شدیدی دارد و برای ارتزاق خود و خانواده، عروسک‌های کاموایی می‌سازد. جالب این است که خانواده به برکت توانایی این دختر خانم زندگیشان از این رو به آن رو شده است. یعنی نه تنها این فرد باری بر دوش خانواده نیست، بلکه توانسته باری از دوش خانواده‌اش هم بردارد. فیلم دیگری هم با نام شاعر پله‌ها است که در مورد زندگی یک پسر دارای معلولیت جسمی و حرکتی که در شهر سوادکوه زندگی می‌کند است که با وجود مشکلات شدید جسمی روحیه‌ای بسیار مثبت دارد. او بسیار پرامید از زندگی حرف می‌زند و توانسته به خانواده‌اش هم امید

پیش از اینکه نقص جسمانی برای این افراد محدودیت ایجاد کرده باشد، این جامعه است که برای آنها محدودیت ایجاد می‌کند

بدهد. یعنی تمام اهل خانه، تحت تاثیر همت این فرزند معلول قرار دارند. من هر وقت این چنین فیلم‌هایی را می‌بینم انرژی می‌گیرم. فیلم مستند این کارکرد را دارد که به افراد ظاهرا تندرست انرژی می‌دهد و به خود افراد دارای معلولیت هم انگیزه زندگی می‌دهد. انسان وقتی احساس کند وجودش مفید است، شاداب و سرزنده می‌شود، بسیاری از آسیب‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که انسان احساس کند وجودش فایده‌ای ندارد. خداوند انرژی لایزالی در وجود همه ما قرار داده که بخش کوچکی از این انرژی بر دوش جسم ماست. فیلم مستند و رسانه باید بتواند این کارکرد را به درستی انجام بدهد. در کشورهای پیشرفته بخش زیادی از فعالیت‌های اجتماعی را افرادی انجام می‌دهند که از نظر جسمی با بقیه فرق دارند و ظاهرا کم توان هستند ولی سودمندی آنها برای جامعه کمتر از آدم‌های به ظاهر تندرست نیست. میزان افسردگی هم در چنین افرادی کمتر از افراد به ظاهر سالم است چون احساس ارزشمند بودن می‌کنند. این در حالی است که متأسفانه هنوز در کشور ما جمعیت زیادی از افراد دارای معلولیت از حضور موثر در اجتماع غایب هستند. وقتی به این موضوع نگاه می‌کنم از خودم می‌پرسم اگر چنین افرادی خوشحال نیستند و این ناراحتی به چه دلیل است؟ من گمان می‌کنم بخشی از این ناراضی‌تی طبیعتاً به دلیل سختی ناشی از مشکلات جسمی است ولی بخش بزرگ‌تر به دلیل عدم درک درست اجتماع و نگاه نامناسب اجتماع به اوست. بخشی از آن به دلیل نامناسب بودن محیط جامعه برای او و حضورش است و بخش دیگر به نگاه نادرست و ترحم آمیز و غیر رایج مردم برمی‌گردد. جامعه فکر می‌کند که باید به این شخص کمک کند در حالیکه جامعه باید از او کمک بگیرد. جامعه پراست از نیازهایی که چنین افرادی قادر به پاسخگویی به آنها هستند. ولی آیا این شرایط برای یک فرد دارای معلولیت فراهم است؟ من معتقدم خیلی از مشاغل برای افرادی که از نظر جسمی تندرست هستند باید محدودیت

داشته‌باشد. خیلی از این فعالیت‌ها می‌تواند توسط افرادی که مشکل حرکتی دارند انجام شود. مثلاً کارهای مخابراتی. آیا ما به مساله کاربایی و اشتغال این فشر از جامعه فکر کرده‌ایم؟ اگر تاکنون به این مساله توجه کافی نشده حتماً یکی از علل آن، قصور رسانه‌ها در طرح این موضوعات است. فیلم مستند و رسانه‌ها باید به این مسائل توجه کنند و توجه جامعه را به آن جلب کنند. رسانه می‌تواند به عنوان یک دیده‌بان، جامعه را رصد کند و این نقص‌ها را برجسته کند. جامعه ما یک جامعه در حال توسعه است که میل به پیشرفت دارد و اگر قرار باشد که توسعه پایدار باشد باید این توسعه اندام وار بوده و به همه وجوه جامعه توجه کند. سینمای مستند و فیلم مستند و به معنای عام رسانه، این کارکرد را دارد که نگاه کند و بگوید کجا رشد کمتری داشته‌ایم. می‌خواهم اعتراف کنم که رسانه‌های ما در قبال این بخش از جامعه کوتاهی کرده‌اند و به شایستگی حق این افراد موثر و مفید جامعه را ادا نکرده‌اند.

شما دبیر مرکز گسترش سینما تجربی و مستند هستید، آیا این امکان وجود دارد که موضوع معلولیت، به صورت یک حوزه تخصصی در جشنواره‌ها و در رقابت‌های رسانه‌ای مورد توجه قرار بگیرد؟

بله، این امکان وجود دارد ولی بهتر است عنوان آن وسیع‌تر مطرح شود. مثلاً به موضوع بهزیستی در سطح کلان فکر کنیم که قسمتی از آن هم به افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی مربوط شود. چند ماه پیش من دیداری با آقای سمیعی معاونت پشتیبانی سازمان بهزیستی و مدیرکل استان تهران داشتم که ایشان خودشان دانش آموخته این موضوع هستند و اطلاعات خوبی در این زمینه دارند. در این دیدار اعلام کردم که ما در مرکز گسترش سینمای تجربی حاضریم مشارکت جدی با سازمان بهزیستی داشته باشیم و به موضوع معلولیت توجه ویژه کنیم و بخشی از تولیداتمان را به این حوزه اختصاص دهیم. حتی در خواست ملاقاتی هم با رئیس سازمان بهزیستی داشتم و ایشان هم قول مساعدت دادند ولی حتماً به دلیل مشغله کاری که دارند این امکان پیش نیامد و شاید هم به این دلیل بود ضرورتی در آن ندیدند! اما ما به عنوان یک نهاد دولتی این ضرورت را در همان آغاز احساس کردیم که حتماً باید درصدی از تولیداتمان را به موضوع معلولیت اختصاص دهیم. شاید لازم باشد که در دوره‌هایی از جشنواره سینما حقیقت هم بخشی یا ستونی را برای نمایش چنین آثاری بازکنیم. این مساله همیشه دغدغه من بوده است. رشته تحصیلی من شهرسازی است و پایان نامه‌ام در سال ۷۴ را در مورد پارک‌های

تهران ارائه دادم که یک فصل جدی آن را اختصاص به مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی و حرکتی دادم. در آن زمان خیلی تلاش کردم که حداقل در سه پارک نمونه تهران یعنی پارک شهر، پارک بعثت و پارک ملت مناسب‌سازی صورت بگیرد که با لطف خدا و همکاری شهرداری این فضاها ایجاد شد و اگر شما به این پارک‌ها مراجعه کنید می‌بینید که این مناسب‌سازی‌ها صورت گرفته است. منظورم این است که هرکجا که یک قدم درست برداشته‌ایم، اتفاقات خوبی افتاده است. در کشور ما مقوله معلولیت برای مدیران موضوع مهمی بوده است ولی اینکه در رسانه‌ها چقدر بازتاب داشته است به نظر من آنقدر که شایسته است، اتفاق نیفتاده است. براساس قانون حمایت از حقوق معلولان تلویزیون باید دو ساعت در هفته برنامه‌های مرتبط با معلولان داشته باشد. یعنی ما در این زمینه قانون کم نداریم ولی متأسفانه ضمانت اجرایی وجود ندارد.

به هر حال رسانه‌های مانند تلویزیون به عنوان یک رسانه ملی، تاثیر زیادی می‌تواند داشته باشد چون حجم گسترده‌ای از مخاطب را پوشش می‌دهد و این یک وظیفه ذاتی برای اوست.

آیا مرکز گسترش تاکنون برنامه‌ای برای حمایت از فیلمسازان دارای معلولیت داشته است؟

بله، این اتفاق قبلاً افتاده است. فیلمی که در مورد خون‌های آلوده ساخته شد، کارگردانش یک خانم نابینا بود. ما دوستان دارای معلولیت جسمی داریم که فیلمساز هستند و با ما همکاری می‌کنند. از جمله آقای محمدحسین جعفری که در حادثه‌ای در افغانستان دچار معلولیت شدند و اکنون نیز به شایستگی کار خود را ادامه می‌دهند. دوستانی داریم که کم توانانی‌های مادرزادی دارند و در حوزه سینما فعال هستند و خیلی هم جدی کار می‌کنند. یک نمونه آن فیلم هفت زن نابینای آقای شیروانی است که کارگردانش دارای معلولیت بود. ما همیشه سعی کرده‌ایم از حضور فیلمسازان و کارگردانان دارای معلولیت استقبال ویژه داشته باشیم. این علاقه و حمایت همیشه وجود داشته است.

آیا در این مرکز این امکان وجود دارد که به افراد دارای معلولیتی که علاقمند به فیلمسازی هستند آموزش‌های لازم هم داده شود؟

ما در مرکز گسترش بخش آموزش نداریم. بخش آموزش را سینما جوان انجام می‌دهد. از اینکه آیا در سینما جوان این امکان وجود دارد و یا قبلاً این اتفاق افتاده است یا نه،

ما به عنوان یک نهاد دولتی این ضرورت را در همان آغاز احساس کردیم که حتماً باید در صدی از تولیداتمان را به موضوع معلولیت اختصاص دهیم

من اطلاعی ندارم. ولی می‌دانم که انجمن سینمای جوانان ایران از این موضوع استقبال می‌کند.

پس به نظر شما امکان ایجاد ژانری با عنوان معلولیت یا بهزیستی وجود دارد؟

به نظر من اینکه ما بیاییم موضوع معلولیت را از موضوع زندگی و مباحث اجتماعی جدا کنیم گرچه ممکن است در جایی ضروری باشد ولی در جایی هم ممکن است لطمه بزند. برای انجام خدمات اجتماعی مورد نیاز، این تفکیک یک امر واجب و طبیعی است که یک معلول جسمی حرکتی وقتی می‌خواهد وارد یک ساختمان و یا فضای عمومی مثل پارک شود باید فضای حرکتی مناسب برایش ایجاد شده باشد. اما در مسائل کلان جامعه جدا کردن این افراد غلط است. وقتی این افراد را جدا از جامعه تعریف می‌کنید، فضایی ایجاد می‌شود که نگاه جامعه هم به آنها تغییر کند. من با این جداسازی موافق نیستم. برای مثال فیلمسازی که توانایی این را دارد که بر روی ویلچر بنشیند و مانیتور را نگاه کند و فیلم بسازد، معلولیت مانع کارش نیست و لازم نیست که ما این فرد را از دیگران جدا کنیم و بگوییم تو باید در یک بخش خاصی کار کنی. ولی اینکه فیلم‌های در مورد معلولان در بخش‌های خاصی مورد توجه قرار داده شود و نشان داده شود، این یک امر ضروری است. گاهی که خودم در کارم احساس کسالت می‌کنم، با دیدن فیلم‌های عروسک کاموایی و خواهرم محدثه و یا شاعر پله‌ها انگیزه می‌گیرم که چقدر یک فرد با محدودیت‌ها و مشکلات جسمی‌اش می‌تواند برای جامعه مفید باشد.

با توجه به شناختی که شما از حوزه معلولیت دارید آیا می‌توان امیدوار باشیم که مرکز گسترش حمایت بیشتری از فیلم‌هایی که در خصوص معلولیت ساخته می‌شود داشته باشد؟

بدون شک همین طور است. این نه به‌عنوان یک وظیفه صرفاً اجتماعی بلکه به عنوان

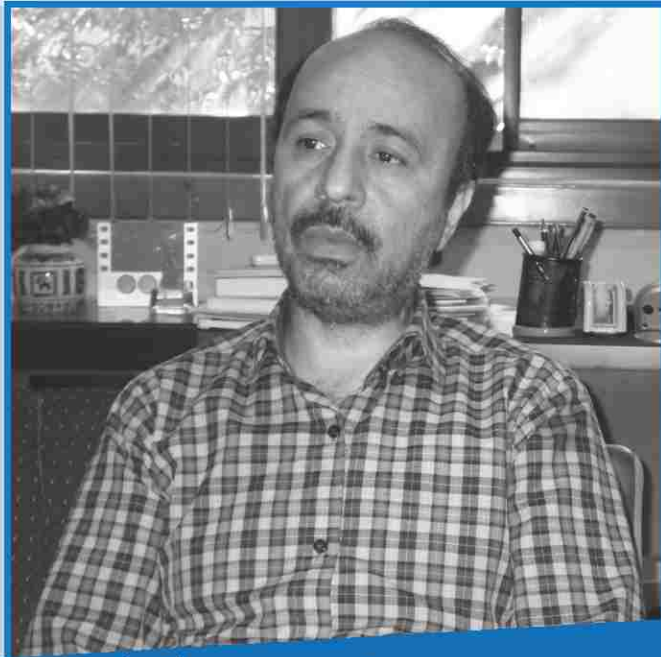
یک فرضیه دینی باید مورد توجه باشد. چون خداوند از ما دو چیز را می‌خواهد: یک سری وظایف اجتماعی است که من به عنوان یک مدیر باید آن را انجام بدهم و یکی هم فرضیه‌ای است که برعهده من گذاشته است و آن پرداختن به مسائل اینجینی است (مقوله معلولیت). به هر حال همه ما مسلمانم و معتقد به وظایف دینی خود هستیم و این را وظیفه خود می‌دانیم که هر جا می‌توانیم، به عنوان یک فرضیه دینی موثر باشیم.

جای ایفای این نقش در رسانه ملی بسیار خالی است، چون فرهنگ سازی در ابعاد وسیع توسط این نهاد می‌تواند شکل بگیرد. افراد دارای معلولیت از اینکه در تلویزیون به آنها با چشم ترحم آمیز نگاه می‌شود و با معلولیت را عاقبت کار افراد گناهکار می‌داند و یا حتی آنها را ابرقهرمان معرفی می‌کند، بسیار ناراحت هستند. آنها دوست دارند که مثلاً در سریال‌ها یکی از شخصیت‌های داستان کسی باشد که معلولیت هم دارد و زندگی عادی خود را پیش می‌برد. معلولیت این فرد، محور داستان نباشد ولی در حاشیه، مساله او هم منعکس شود.

ما امسال در جشنواره سینما حقیقت در بخش صنایع دستی فیلم پانزده دقیقه‌ای داشتیم که اسم آن در خاطر من نیست ولی فیلم در مورد افرادی است که در یک کارگاه معرق کار می‌کنند و به قدری محصولات آنها زیبا و چشمگیر است که بیننده را محو تماشا می‌کند. در پلان آخر فیلم وقتی این افراد می‌خواهند محل کار را ترک کنند و به منزلشان بروند، تازه متوجه می‌شویم که این همه هنر و زیبایی دسترنج بچه‌های دارای معلولیت بوده‌است. یا افتخارآفرینی دوستان دارای معلولیت در حوزه ورزش بسیار قابل توجه است. دو سال پیش گروه مستند حوزه هنری، فیلمی در مورد تیم ملی والیبال نشسته معلولان ایران تهیه کرد که فیلم بسیار جالبی بود. این فیلم‌ها ساخته می‌شوند اما در حد گسترده‌ای دیده نمی‌شوند. بله، جای این فیلم‌ها در تلویزیون خالی است چون تلویزیون یک رسانه فراگیر و گسترده است که می‌تواند تاثیر بسیار زیادی بر فرهنگ و برنگاه مردم داشته باشد. در مورد معلولیت‌های ذهنی، امسال در حال تولید یک فیلم سینمایی به نام آجی هستیم که یک موضوع خانوادگی است و تاثیر مثبتی که یک خانواده از حضور یک فرد معلول می‌گیرند را به نمایش می‌گذارد. این فیلم به کارگردانی خانم مریم اشرف‌زاده ساخته شده و نشان می‌دهد که یک فرد دارای معلولیت چگونه، نه تنها باعث سختی و مرارت برای خانواده نیست، بلکه باعث پیوند میان آنها هم می‌شود.

به هر حال امیدوارم که بتوانم در مسئولیتی که برعهده دارم به این موضوع مهم و حیاتی بیشتر بپردازم.





محمد آفریده، از سال ۱۳۵۸ در مرکز اسلامی فیلمسازی وابسته به فعالیت‌های فرهنگی صداوسیما مشغول به کار شد. او در سال ۶۲ به بنیاد سینمایی فارابی رفت و در بخش فرهنگی آن مشغول شد. در سال ۷۲ به مدت دو سال به اداره کل تأمین برنامه سیما رفت و مسئول خرید فیلم و سریال‌های صداوسیما گشت. آفریده در سال ۷۶ مدیر انجمن سینمای جوانان ایران شد و مدتی هم مدیرعامل این انجمن بود. او از سال ۸۵ تا ۸۸ به عنوان مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی فعالیت کرد و بعد از آن هم به‌طور مستقل به فیلمسازی روی آورد. در این سال‌ها هم کارگردانی کرد و هم سریال ساخت. آفریده عضو هیات مؤسس کانون فیلمسازان سینمای ایران نیز هست و فیلمنامه چندین سریال را نوشته است. با او که مشاور مدیر شبکه مستند سیماست به گفتگو نشستیم که می‌خوانید.

توجه به موضوع معلولیت، از وظایف ذاتی تلویزیون است

محمد آفریده | فیلمساز

تلاش کنیم و دست به دست هم دهیم تا از توانایی این بخش از جامعه بهره ببریم. باید یک فعالیت همه جانبه در سطوح مختلف جامعه ایجاد شود تا نشاط و سرزندگی در حوزه معلولان اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین مسائل، حوزه مناسب‌سازی است. تقریباً بسیاری از دوستان دارای معلولیت از حضور در اجتماع پرهیز می‌کنند و به نوعی در خانه‌ها محبوس هستند. من دوست کارگردانی دارم که بسیار پراثری و خلاق است و در حوزه فیلم‌سازی، هم اطلاعات خیلی خوب و هم نگاه خوبی دارد که می‌تواند بسیار موثر باشد ولی شرایط جامعه طوری است که ما دسترسی به هم نداریم و من هیچ وقت نمی‌توانم او را به محل کار خود دعوت کنم! در جشنواره او تصمیم بر این شد که محل نمایش فیلم‌ها خانه هنرمندان باشد ولی دیدیم که رفت و آمد به این محل برای دوستان دارای معلولیت بسیار مشکل است چون مناسب‌سازی در آن صورت نگرفته بود. به طوری که حتی آقای عزت الله انتظامی هم که در این جشنواره حضور داشتند،

در حوزه معلولیت پشتیبانی می‌کند. الآن هم در شبکه مستند با همکاری بهزیستی یک مجموعه سیزده قسمتی با موضوع مناسب‌سازی شهری در حال تولید است. من فکر می‌کنم زمینه زیادی برای فعالیت در حوزه معلولیت وجود دارد و باید بیش از این کار شود. جامعه واقعاً کار زیادی برای این قشر انجام نداده است. نه تنها در بحث مناسب‌سازی شهری بلکه در همه عرصه‌ها نیاز به کار جدی وجود دارد. ساده‌ترین مثال این است که اگر من بخواهم دوست دارای معلولیت را به محل کار یا خانم دعوت کنم با مشکلات جدی روبه‌رو هستم!

با توجه به جمعیت ده درصدی افراد دارای معلولیت که دچار انواع محدودیت‌ها هستند و با مشکلات زیادی زندگی می‌کنند آیا شبکه مستند به عنوان یک رسانه به این حوزه در حد مناسب پرداخته است؟
نگاه من این است که معلولیت واقعاً ناتوانی نیست و نباید به محرومیت بیانجامد. معلولیت محدودیت جسمی است و همه باید

با توجه به مسئولیت‌هایی که تاکنون در حوزه رسانه داشته‌اید، در موضوع معلولیت و معلولان چه اقداماتی انجام داده‌اید و آیا اصلاً این موضوع توجه شما را جلب کرده است؟

در طول سال‌هایی که مسئولیت‌های اجرایی متفاوتی داشته‌ام همیشه سعی کردم که کار افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کردند و یا علاقمند به کار در این حوزه بوده‌اند را تسریع کنم. وقتی با جشنواره او که توسط انجمن علمی فرهنگی و آفرینش‌های هنری معلولان برگزار شد آشنا شدم، متوجه شدم که چقدر نسبت به افراد دارای معلولیت کم توجهی شده است. همین آشنایی باعث شد که از سال ۸۸ به بعد چندین فیلم در حوزه معلولیت کار کنم. از جمله تهیه‌کنندگی فیلم «بازگویی یک خاطره» بود که با همکاری مرکز رعد الغدیر ساخته شد. از همان زمان هم چون من عضو هیات امنای مرکز رعد الغدیر بودم، پیشنهاد تولید فیلم مستند را این مرکز دادم که این پیشنهاد عملی شد و مرکز الغدیر هر سال از ساخت ۴ فیلم مستند



شماره ۱۳۹۴ تابستان ۱۳۹۴

به نظر من هر چقدر مسائل و مشکلات افراد دارای معلولیت در جامعه بیشتر انعکاس پیدا کند، فیلمساز، هنرمند و سایر افراد جامعه بیشتر درگیر آن می‌شوند و این مشکلات به طرف حل شدن می‌رود

باشند و آشنا کردن این افراد با مشکلات افراد دارای معلولیت بسیار اثرگذار است. برگزاری جشنواره‌ها نیز خیلی مهم است. نگاه من در جشنواره آوا این بود که باید حداقل ۵۰ فیلم با موضوع معلولیت ساخته شود. وقتی فیلمسازان می‌آیند و فیلم کوتاه در این حوزه می‌سازند به‌طور ناخودآگاه این مساله در پس ذهنشان رسوخ می‌کند و در کارهای آینده‌شان، در کارهای سینمایی‌شان و در سریال‌هایشان، افراد دارای معلولیت را هم می‌بینند و این چیزی است که باید در همه حوزه‌ها اتفاق بیافتد. باید توجه داشته باشیم که فرهنگ‌سازی در حوزه معلولیت، از وظایف ذاتی صدا و سیما است.

یکی از گله‌هایی که سمن‌های فعال در این حوزه از صداوسیما دارند این است که اگر بخواهند برنامه‌ای در تلویزیون داشته باشند باید مبالغ هنگفتی را برای در اختیار داشتن آنتن بپردازند که این مانع از فعالیت آنان در زمینه فرهنگ سازی می‌شود.

فکر نمی‌کنم که طرح این موضوع در تلویزیون از نظر بازرگانی مشکلی داشته باشد. چون بحث افراد دارای معلولیت بحث همگانی و ملی است. ممکن است تلویزیون در زمان‌هایی با مشکل مالی روبرو باشد ولی تا جایی که من تصور دارم چه در حوزه پخش و چه در حوزه اطلاع رسانی و آگاه‌سازی تلویزیون آمادگی دارد. به نظر من باید تعامل بین سمن‌ها و صداوسیما بیشتر باشد. برای ایجاد این تعامل می‌توان با برگزاری نشست‌های مشترکی با مدیران شبکه‌های مختلف به این هدف نزدیک شد. به هر حال مطالبات این قشر خیلی مهم است و باید همه ابعاد جامعه را نسبت به مقوله معلولیت از راه‌های مختلف درگیر کرد. وقتی سازمان‌ها با این مساله درگیر شوند، نقش خود را در این قضیه ایفا می‌کنند. بحث معلولیت از مباحث بنیادی است و چیزی نیست که سازمانی بگوید که بودجه نداریم! هر سازمان در حدود وسع خود باید در رفع مشکلات معلولان تلاش کند.

در قانون جامع حقوق معلولان هفته‌ای دو ساعت از برنامه‌های صداوسیما به مسائل معلولان اختصاص داده شده است، ولی این

یکی از کارهای قابل تقدیر رعدالغدير این است که از دانش آموزان دبیرستانی مناطق مختلف دعوت می‌کند که به آن مرکز بروند و با بچه‌های دارای معلولیت آشنا شوند. یکی از دوستانی که در حوزه فیلم‌سازی برای معلولان کار می‌کند آقای آل احمد است. او در فیلمی که مشغول ساختنش است به این موضوع اشاره دارد که اگر روزی عضوی از بدن یک فرد تندرست دچار مشکل شد، شرایط زندگی او چگونه خواهد شد؟ ایشان معتقد است که اگر از این زاویه به جامعه و شرایط زندگی فردی که دچار معلولیت شده نگاه کنیم، سایرین درک بیشتری نسبت به واقعیت زندگی و مشکلات این قشر پیدا می‌کنند. وقتی به رفتارهای ساده‌ای مثل سوار اتوبوس شدن، بانک رفتن، پارک رفتن و... از این زاویه نگاه شود می‌بینیم که چقدر مشکل وجود دارد.

فیلم‌های موردی جای خود را دارند ولی صداوسیما که یک رسانه ملی است و حوزه تاثیراتش بسیار وسیع است، چه وظیفه‌ای در انعکاس این مشکلات دارد؟

نقش صداوسیما در آگاه سازی جامعه نسبت به درک شرایط این افراد خیلی مهم است و باید بسیار بیشتر از این نقش‌آفرینی کند. البته بخشی از کار در این حوزه به خود جامعه معلولان و افراد مسوول در آن هم برمی‌گردد که باید پرکارتر باشند و آگاهی‌رسانی باید دغدغه خود این دوستان باشد. چون مردم جامعه عموماً به دنبال درگیری‌های روزمره خود هستند. اطلاع رسانی از طریق رسانه و دعوت از کسانی که در حوزه‌های مختلف می‌توانند تاثیرگذار

در رفت و آمد با مشکل روبرو بودند. ما با شهرداری صحبت کردیم که در پشت ساختمان وسیله‌ای برای رفت و آمد معلولان قرار دهند و این کار انجام شد. منظورم این است که مناسب سازی اماکن عمومی و فضاهای شهری باید دغدغه مسوولان شود. در جشنواره آوا مراسم اختتامیه را در سالن شمس برگزار کردیم، یاد می‌آید که خود آقای مهندس برجیان برای رفتن روی سن با مشکل روبرو بودند و بالاخره با کمک یک بالابر این امر امکان پذیر شد.

البته در چندسال اخیر توجهاتی جلب شده و اتفاقات خوبی هم افتاده است ولی نگاه من این است که رسانه در این فرهنگ‌سازی باید نقش موثرتری را ایفا کند. باید سازمان‌هایی که امکاناتی دارند را نسبت به این قضیه حساس کرد تا یکبخش از بودجه خود را صرف تولید فیلم در این موضوع کنند. هدف جشنواره آوا هم آشنا کردن جامعه با مشکلات افراد دارای معلولیت بود. به نظر من هر چقدر مسائل و مشکلات افراد دارای معلولیت در جامعه بیشتر انعکاس پیدا کند، فیلمساز، هنرمند و سایر افراد جامعه بیشتر درگیر آن می‌شوند و این مشکلات به طرف حل شدن می‌رود. در حال حاضر مردم ما نسبت به مشکلات این قشر بی‌اطلاع هستند و علی‌رغم کارهایی که انجام شده، هنوز نیاز به بسترسازی و فرهنگ سازی در این حوزه به شدت احساس می‌شود.

نقش صداوسیما به عنوان یک رسانه فراگیر خصوصاً در بحث مستند چگونه می‌تواند باشد؟

صداوسیما می‌تواند نقش اساسی و مهمی ایفا کند. همان‌طور که گفتم اکنون شبکه مستند با مشارکت بهزیستی و همکاری شهرداری در حال ساخت یک مجموعه سیزده قسمتی در بحث مناسب‌سازی است که بیشتر به بحث میلمان شهری می‌پردازد. ولی به نظر من این فعالیت‌ها هنوز خیلی ناچیز هستند. در همه عرصه‌های جامعه، چه در بحث کودک و نوجوان و چه در بحث خانواده باید نسبت به قضیه معلولیت، فرهنگ‌سازی صورت بگیرد. کودکان و نوجوانان باید شناخت صحیحی از معلولیت داشته باشند تا وقتی که فرد دارای معلولیتی را می‌بینند تعجب نکنند و واکنش مناسبی نشان دهند.



اتفاق در صداوسیما نمی‌افتد، چرا؟

درخواست مطالبات نیز مثل حقوق شهروندی است. وقتی فرهنگ‌سازی درستی انجام نشده باشد، شهروند در مورد خیلی چیزها نمی‌داند که چه حقوقی دارد. خیلی جاها حق یک شهروند است که نسبت به کمبودهایی که وجود دارد احقاق حق کند. بحث معلولیت هم همین است و توجه به امور معلولان جزو وظایف ذاتی تلویزیون است. علت این‌که به این موضوع در حد قابل قبول پرداخته نشده است، یکی به دلیل کم‌کاری و کم‌اطلاعی خود افراد دارای معلولیت نسبت به حقوق خودشان است و دیگری به دلیل این است که توجهات تلویزیون به جای دیگری رفته است. بنابراین نیاز به برقراری ارتباط و تعامل بیشتر بین سمن‌ها و صداوسیما وجود دارد. ما نمی‌توانیم تقصیر را بر گردن کسی بیاندازیم، همه ما نسبت به این موضوع مسوولیم. سازمان بهیستی که متولی اصلی امور معلولان است، چقدر در بحث فرهنگ‌سازی کمک می‌کند؟ تلویزیون تا چه حد در بحث فرهنگ‌سازی کار کرده‌است؟ خبرگزاری‌ها چه کار کرده‌اند؟

معمولاً در بیشتر سازمان‌ها، بخش مشاور امور معلولان را داریم. چرا فعالیت این بخش‌ها چشمگیر نیستند؟

به اعتقاد من نیاز به جریان‌سازی است و این جریان‌سازی نیاز به یک عزم مشترک دارد. هر کسی باید سهم خود و نقش خود را در عرصه فرهنگ‌سازی برای افراد دارای

معلولیت ایفا کند. سمن‌ها خودشان باید با هم جمع شوند و به اتفاق برسند تا صدایشان بهتر شنیده شود. سمن‌ها می‌توانند نقش بی‌نظیری ایفا کنند چون اگر حمایت‌های مردمی نباشد از دست دولت به تنهایی کاری بر نمی‌آید. اگر دولت بتواند امکاناتی که در اختیار دارد را با مکانیسم بهتری و با همکاری سمن‌ها در اختیار افراد دارای معلولیت قرار دهد، حتماً اتفاقات بهتری می‌افتد.

یکی از بزرگ‌ترین گله‌های افراد دارای معلولیت از تلویزیون و سینما، ترویج نگاه ترحم‌آمیز و قضاوت‌آمیز به آنان در فیلم‌ها است. در خیلی از فیلم‌ها، عاقبت افراد بدکار و شرور، نشستن آنها روی ویلچر است. یا معلول را کسی نشان می‌دهد که نیازمند ترحم و کمک است و شخصیت مثبت فیلم در کمک به چنین افرادی، رستگار می‌شود! بعضی از بچه‌های دارای معلولیت می‌گویند: مرا به خیر تو امید نیست، شرمرسان! چگونه می‌توان تصمیم‌سازان تلویزیون را نسبت به آسیبی که با نمایش چنین فیلم‌هایی می‌زنند حساس کرد؟

من در جشنواره آوا با این مباحث آشنا شدم و در برخوردی که با دوستان دارای معلولیت داشتم متوجه شدم که این دوستان به شدت از این قضیه ناراحت هستند. به نظر من این مساله برمی‌گردد به تعامل و ارتباطی که ایجاد نشده‌است. نگاه من و شاید بسیاری از افراد جامعه این است که معلولیت، یک محرومیت و ناتوانی نیست و این افراد نیاز

به نگاه با ترحم ندارند. در بین این افراد شخصیت‌هایی دیده می‌شوند که در محدوده خود بسیار تاثیرگذارند. از نگاه اعتقادی هم اگر به این مساله نگاه کنیم می‌بینیم که خداوند دریایی از سرمایه‌ها را در وجود انسان قرار داده‌است. شاید نود درصد افرادی که در ظاهر معلولیتی ندارند به نوعی معلول هستند چون از خیلی از استعدادها و امکاناتی که خداوند در وجودشان قرار داده استفاده نمی‌کنند. خداوند هوش و توانایی زیادی در وجود ما گذاشته‌است که از آن بهره نمی‌بریم. اینکه در تلویزیون و یا سینما نگاه ترحم‌آمیز یا قضاوت‌آمیز وجود دارد و یا این احساس ایجاد می‌شود که افراد دارای معلولیت نیاز به کمک مالی دارند، همه به فرهنگ‌سازی برمی‌گردد. من سمن‌هایی را می‌شناسم که حاضر به گرفتن هیچگونه کمک مالی نیستند و بیشتر به دنبال ایجاد فضای کار و اشتغال برای افراد دارای معلولیت هستند.

آیا در صداوسیما نیز پستی تحت عنوان مشاور امور معلولان داریم؟

در اکثر سازمان‌ها این بخش وجود دارد ولی متأسفانه معمولاً این بخش یک نقش سمبولیک و غیرکاربردی دارد. به اعتقاد من جامعه معلولان و کسانی که با این قشر در ارتباط هستند با هر وسیله‌ای که می‌توانند باید این ظرفیت را در جامعه صدا بزنند، وقتی این درخواست‌ها مطرح شود بالاخره گوش‌هایی هم یافت می‌شوند که این صداها را بشنوند. جامعه نسبت به این اقلیت



پر شمار که دچار معلولیت هستند و همچنین افرادی که به کهولت می‌رسند مسوول است. جامعه نسبت به جانبازان هشت سال جنگ تحمیلی که برای مردم فداکاری و ایثار کرده‌اند مسوول است. وقتی من از جایگاه یک فرد دارای معلولیت به مسائل نگاه می‌کنم، می‌بینم نمی‌توانم در خیلی از خیابان‌ها راه بروم، نمی‌توانم به سینما، پارک یا کتابخانه بروم. در حال حاضر بیشتر اماکن عمومی و سازمان‌های دولتی برای حضور این افراد غیرقابل استفاده هستند. ولی از همه بدتر همان نگاه به معلولان است که بیش از همه آنها را اذیت می‌کند و آنها را در خانه‌ها زندانی کرده است. نگاه من این است که همه سازمان‌ها و خصوصا سازمان‌های مرتبط با معلولان باید بذر خودشان را در رابطه با فرهنگ سازی بپاشند که در آینده این کار حتما ثمر خواهد داد.

فیلم مستند چه تاثیری می‌تواند داشته باشد؟ مشکل فیلم مستند دیده نشدن آن است. چون این فیلم‌ها بیشتر در جشنواره‌ها شرکت می‌کنند و کمتر دیده می‌شوند. برای این مساله چه کار می‌شود کرد؟

خوشبختانه رویکرد جدید سازمان و نگاه مدیر شبکه مستند بسیار پویا و متعهدانه است. عزم جدی در شبکه مستند، تصویر بی‌واسطه از جامعه است. به عبارتی آینه شدن، یعنی

کودکان و نوجوانان باید شناخت صحیحی از معلولیت داشته باشند تا وقتی که فرد دارای معلولیتی را می‌بینند تعجب نکنند و واکنش نامناسب نشان ندهند

باشد. برگزاری جشنواره‌هایی مثل جشنواره آوا هم در این فرهنگ سازی اثر بسیار مثبتی دارد و امیدواریم که دور دوم این جشنواره به زودی برگزار شود.

و سخن آخر؟

جامعه ما ظرفیت‌های پنهان زیادی دارد و اگر فرصتی شود که این ظرفیت‌ها مجالی برای بروز پیدا کنند، آینده این مملکت بیمه می‌شود. ما علاوه بر بحث معلولان، بحث جوانان، بحث نوجوانان و بحث‌های دیگری هم داریم که اگر به اینها توجه شود، کاروانی از تلاش و کوشش در جامعه به راه می‌افتد و باعث نشاط فرهنگی می‌شود. وقتی نشاط فرهنگی ایجاد شود، به دنبال آن تنوع و رونق فرهنگی هم ایجاد می‌شود و مردم به آینده امیدوارتر می‌شوند. در برخوردی که من با دوستان دارای معلولیت داشته‌ام واقعا بعضی از این افراد بی‌نظیر هستند و تجربه‌ای که من با این دوستان داشته‌ام، برایم یک هدیه الهی بوده است. سرگذشت بسیاری از این دوستان بسیار دراماتیک است و ظرفیت سینمایی زیادی دارد. ارتباط و دمخور شدن جامعه معلولان با فیلمسازان بسیار مفید است و باعث می‌شود فرهنگ‌سازی بهتری انجام شود. باید تا جایی که می‌شود این فضاها را ایجاد کرد که یکی همان برگزاری جشنواره‌ها با موضوع معلولیت است.

مشکلات و محدودیت‌ها و معضلات جامعه را بتوان در این شبکه دید. از جمله مجموعه سیزده قسمتی در رابطه با مناسب سازی که دارد تولید می‌شود و نیز بخش فیلم «بازگویی یک خاطره» که جدیدا از این شبکه پخش شد. به هر حال کار در حوزه معلولیت یک جور مبارزه هم در خود دارد. یعنی دوستان دارای معلولیت خودشان بیشتر باید تلاش کنند. شما در محدوده کاری خود در مجله توانیاب، دوستان دیگر با فعالیت در سمن‌ها و اصحاب رسانه هم باید نسبت به این مساله حساس‌تر شوند. درخواست ملاقات با مدیران شبکه‌های مختلف و مستند می‌تواند مفید



موسسه نیکوکاری رعد الغدير مرکزی است در جنوب شهر تهران که از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۳ به عنوان شعبه‌ای از مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد، فعالیت آموزشی و کارآفرینی‌اش را برای جامعه هدف خود که معلولان جسمی - حرکتی هستند، آغاز کرد. مرکز الغدير اکنون یک مرکز مستقل است و با فعالیت‌های هدفمند و حرفه‌ای خود توانسته نقش پررنگی در منطقه ۱۸ تهران در خصوص افراد دارای معلولیت ایفا کند. علیرضا آتشک کارشناس علوم تربیتی با گرایش مدیریت آموزشی است و از سال ۱۳۸۰، به عنوان قائم مقام مدیرعامل در این مرکز فعالیت می‌کند. با او در مورد فعالیت‌های این مرکز، چشم‌اندازها و مشکلاتش گفت‌وگو کردیم.

هدف ما این است که حتی الامکان هیچ‌توان یاب ماهر، بدون شغل نباشد!

علیرضا آتشک | مدیر موسسه نیکوکاری رعد الغدير

رایگان در اختیار ما قرار داده شده است که بخشی از کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی‌مان در این محل برگزار می‌شود. ساختمان شماره ۴، یک فروشگاه استیجاری متعلق به سازمان بهزیستی کشور در خیابان شهید فیاض بخش می‌باشد که فروشگاه‌ای است برای فروش صنایع دستی توانیابان مرکز رعد الغدير. مرکز در قالب قراردادی به نام دانش - کار به نمایندگی از سازمان بهزیستی کشور خرید و فروش صنایع دستی معلولان سراسر کشور را برعهده دارد. این مرکز، تولیدات را از توانیابان خریداری می‌کند و به نفع خود آنها در این محل به فروش می‌رساند. سازمان بهزیستی هم متعهد شده که بخشی از هدایای موردنیازش را از این فروشگاه خریداری کند.

اخیرا یکی از خیرین علاقمند ویلایی در شمال کشور در اختیار مرکز قرار داده تا دوستان دارای معلولیت و خانواده‌هایشان بتوانند از آن استفاده کنند. این ویلا آماده بهره‌برداری است. مبلغ مختصری که صرف نگهداری و تجهیز ویلا است، از متقاضیان

کمک مردم ساخته و راه‌اندازی شد. به تدریج طبقات دیگر این ساختمان اضافه شدند و اکنون مرکز رعد الغدير در سه طبقه و با حدود ۱۱۰۰ مترمربع زیربنا به کاربری رسیده است. هم‌چنین از شهردار وقت آقای مداحی، این امکان را که تعدادی کانکس خوداشتغالی در بیرون ساختمان راه‌اندازی کنیم را دریافت کردیم. در حال حاضر یازده نفر از افراد دارای معلولیت در این کانکس‌ها مشغول به کار و فروش تولیدات خودشان هستند.

همه فعالیت‌های رعد الغدير در این ساختمان متمرکز است؟

خیر. رعد الغدير چهار ساختمان در تهران دارد. ساختمان شماره ۲ این مرکز در خیابان جیحون است که به عنوان تنها مرکز دندان‌پزشکی ویژه معلولان غیرذهنی، خدمات رایگان دندان‌پزشکی را به این عزیزان ارائه می‌دهد. ساختمان شماره ۳، در خیابان سیزده آبان شهرری در فضایی حدود ۵۰۰ متر مربع قرار دارد. این ساختمان به مدت ۵ سال از طرف شهرداری منطقه ۲۰ به طور

آقای آتشک، نشریه توان‌یاب در هر شماره یک سازمان مردم‌نهاد را معرفی می‌کند. می‌خواستیم در این شماره فعالیت‌های این مرکز را برای مخاطبان توانیاب اطلاع‌رسانی کنیم.

از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ این مرکز به عنوان شعبه‌ای از مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد فعالیت می‌کرد ولی طبق مصوبات این موسسه، شعبات رعد بعد از دو سال باید مستقل شوند. در آن زمان آقای سلطان‌زاده، موسس و عضو هیات امنای مجتمع رعد، رعد الغدير را به طور مستقل به ثبت رساندند. بخشی از خدماتی که در این مرکز ارائه می‌شود، با خدمات مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد مشترک است و بخشی از آن هم متفاوت است. کار ما در این مرکز از یک خانه استیجاری شروع شد که بعداً با لطف خدا و کمک‌های مردمی کار را توسعه دادیم و زمینی که اکنون این مرکز در آن قرار دارد را شهرداری منطقه ۱۸ در اختیار ما قرارداد. ساختمان اولیه آن به مساحت ۵۰۰ مترمربع در یک و نیم طبقه ظرف مدت نه ماه، با



شماره ۱۰ | تابستان ۱۳۹۴

دریافت می‌شود. این مکان در اختیار توانیابان ما و سایر مراکز معلولان است که به نوبت از آن بهره‌مند می‌شوند.

همه فعالیت مرکز رعدالغدیر محدود به شهر تهران است؟

ما تا کنون ۱۴ مرکز در کل ایران ایجاد کرده‌ایم که این مراکز با نام رعد الغدیر یا نام‌های دیگر مشغول به فعالیت هستند. هر کدام از این مراکز تا شش ماه مورد حمایت مرکز رعدالغدیر قرار دارند و سپس به صورت مستقل ادامه فعالیت می‌دهند. مرکز رعدالغدیر شیراز، رعدالغدیر پاکدشت، کاشانه مهر کاشان، توانیابان صبح الوند همدان، عطیه سبزواری، ... از جمله این مراکز هستند. مرکز رعد گیلان نیز با مشارکت رعدالغدیر و مجتمع رعد ایجاد شده است. ما یک شبکه کشوری به نام سماوات هم ایجاد کرده‌ایم که مخفف سازمان‌های مردم نهاد آموزش و اشتغال توانیابان است. این مراکز سالانه یک همایش برگزار می‌کنند و تجارب و امکانات خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند.

در مورد فعالیت‌های آموزشی مرکز الغدیر توضیح دهید؟

در بحث آموزش‌های منجر به اشتغال ما در سه حوزه کار می‌کنیم. یکی از آنها، آموزش‌های کامپیوتری است. افرادی که این آموزش‌ها را می‌بینند می‌توانند در حرفه منشی‌گری یا مسوول دفتر فنی مشغول به کار شوند. دیگری آموزش‌های صنایع دستی است که در حوزه صنایع چوب، معرق، قاب‌سازی، معرق، خط و تابلو خط، نقاشی و خراش روی فلز و... است. اشخاصی که این آموزش‌ها را می‌بینند، هم می‌توانند محصولی تولید کرده و به فروش برسانند و هم می‌توانند به دیگران آموزش دهند. حوزه دیگر آموزش خیاطی است. در کلاس خیاطی، افراد آموزش‌های نازک دوزی و راسته دوزی را می‌بینند. تاکنون بیش از شصت خیاط تربیت کرده‌ایم که تعدادی از این افراد را خودمان جذب کرده و بقیه در جاهای دیگر مشغول به کار هستند. طبقه اول این ساختمان، مخصوص کلاس‌های آموزشی ماست. پنج کلاس در این طبقه قرار دارد و ۱۳۰ کارآموز در دو نوبت در روزهای زوج و فرد در این کلاس‌ها آموزش می‌بینند. روزهای زوج به آموزش دختران و روزهای فرد به آموزش پسران تعلق گرفته

شعاری داریم که هر خانه یک کارخانه است، یعنی برای فرد دارای معلولیتی که توان حضور فیزیکی در جامعه را ندارد فعالیت‌هایی مثل مونتاژکاری، خیاطی و فعالیت‌های کامپیوتری در خانه راه اندازی شود

بر طبق قانون کار، بیمه می‌شوند و حقوق دریافت می‌کنند. البته فروشندگان به صورت پاره وقت کار می‌کنند و به طور هفتگی و برحسب میزان فروش، حق الزحمه دریافت می‌کنند.

فعالیت دیگری که چندین سال است به آن مشغولیم طرح صدرا است که مخفف صنایع دستی رعد الغدیر است. در این طرح با ۴۰ نفر از توانیابانی که در حوزه‌های مختلف صنایع دستی آموزش دیده و مدرک فنی حرفه‌ای دریافت کرده‌اند، قرارداد بسته‌ایم و محصولات آنها را خریداری می‌کنیم.

کار دیگری که در این مرکز در حال راه اندازی است، مرکز پیام رعد است. به این صورت که با شرکت شاتل قراردادی یک ساله بسته‌ایم و پانزده نفر از توانیابان را آموزش داده‌ایم. کار آنها سنجش رضایتمندی مشتریان شاتل است. این افراد در همین ساختمان مشغول به کارند. ما خط E1 گرفته‌ایم و افراد از طریق این خط با مشتریان شاتل تماس می‌گیرند و رضایتمندی آنان را مورد بررسی قرار می‌دهند. در ضمن بعضی از خدمات پس از فروش برای مشتریان را نیز انجام می‌دهند.

چه کسانی و با چه تخصص‌هایی در این پروژه مشغولند؟

افرادی که به کار گرفته شده‌اند کسانی هستند که دوره‌های کامپیوتری را به طور کامل گذرانده و به امور منشی‌گری نیز کاملاً واقف هستند.

صنایع دستی خریداری شده را چگونه به فروش می‌رسانید؟

ما این صنایع دستی را خریداری کرده، آنان را شناسنامه‌دار می‌کنیم و به طرق مختلف به فروش می‌رسانیم. سی درصد این تولیدات به طور تضمینی توسط سازمان بهزیستی خریداری می‌شود و تعدادی از آنها هم به مراکز و سازمان‌های دولتی یا شهرداری فروخته می‌شود. علاوه بر این، صنایع دستی خریداری شده، در فروشگاه‌هایی که در خیابان فیاض بخش داریم در معرض دید و فروش مردم قرار می‌گیرد. فروشگاه اینترنتی مرکز رعدالغدیر نیز این صنایع دستی را به علاقمندان معرفی کرده و امکان خرید آنها را فراهم می‌کند. افراد با مراجعه به فروشگاه اینترنتی رعد الغدیر می‌توانند

است.

طبقه دوم این مرکز کارگاه‌های تولیدی هستند. چهار کارگاه تولیدی داریم. یکی از این کارگاه‌ها، کارگاه خیاطی رعد جامه است که در این کارگاه البسه کارکنان شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف از جمله کارکنان ایران خودرو، سایپا و شرکت‌های دیگر دوخته می‌شود. در حال حاضر حدود ۲۲ نفر از افراد دارای معلولیت یا کسانی که تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند، در این کارگاه مشغول به کارند. این افراد طبق قانون کار از حقوق و بیمه برخوردار هستند. این افراد در همین مرکز آموزش‌های لازم را دیده‌اند و در همین کارگاه هم به کار مشغول شده‌اند. یک کارگاه خیاطی دیگر هم داریم که در مرکز سیزده آبان شهری قرار دارد. به تعدادی از کارآموزان نیز چرخ خیاطی داده‌ایم که در خانه کار کنند. رعد جامه یکی از کارگاه‌های تخصصی است که ۷ سال از شروع به کارش می‌گذرد و عملکرد بسیار قابل قبولی دارد.

کارگاه دیگر ما تولید «صبحانه ریخون» است که یک کارگاه حمایتی و تولیدی است. در حال حاضر ۷ نفر در آن کار می‌کنند. این کارگاه که در مرکز سیزده آبان قرار دارد و کارش تولید بسته‌های صبحانه شامل؛ نان، پنیر، سبزی و گردو است که به صورت بسته‌بندی در ۴ ایستگاه مترو صادقیه، امام خمینی و شهید بهشتی و چهارراه کالج ارائه می‌شود و به فروش می‌رسد. این فعالیت ۴ ماه است که شروع شده و در قالب قراردادی که با مترو تهران بسته‌ایم، در حال انجام است. قرار است از آخر اردیبهشت ماه این ایستگاه‌ها، به ۱۶ ایستگاه مترو افزایش پیدا کند. افرادی که در این کارگاه مشغول به کارند همگی دارای کارت بهداشتی‌اند و





جامعه بسیار اثرگذار است. همان‌طور که گفته شد، تاکنون چهار فیلم ساخته شده است که یکی از آنها فیلم «بازگویی یک خاطره» است که داستان واقعی زندگی دو نفر از توانیابان این مرکز است که در اینجا آموزش دیده‌اند، با هم آشنا شده و ازدواج کرده‌اند و اتفاقاتی که در زندگی این دو نفر پیش آمده است را بازگو می‌کند. فیلم دیگر «اشک و لبخند» نام دارد. ما هر سال ۱۱۰ نفر از توانیابان این مرکز را به مشهد می‌بریم و این فیلم داستان مشهد رفتن این بچه‌ها را به تصویر می‌کشد که با چه سختی سوار قطار شده و با چه مشکلاتی روبرو می‌شوند. این فیلم اتفاقی را که برای یکی از توانیابان رعد زنجان افتاده است به تصویر کشیده است.

فیلم دیگری نیز در شبکه سوم سیما از فعالیت‌های این مرکز ساخته شده که به صورت یک فیلم مستند به نمایش در آمده است. چهارمین فیلم مستندی هم که آقای آل احمد در حال ساختن آن هستند، پروژه بزرگی است که برای حضور در جشنواره‌های خارج از کشور تولید می‌شود. این فیلم برخورد با توانیابانی است که قبلاً سالم بوده و هیچگاه تصور معلول شدن را نداشته‌اند. ساخت این فیلم تاکنون یک سال و نیم زمان برده است و امیدواریم تا دو ماه آینده آماده پخش شود.

شما اثر رسانه را در فرهنگ سازی بر جامعه در خصوص معلولیت چگونه می‌دانید؟

رسانه یک نوع مرکز آموزش و یک نوع دانشگاه است. به خصوص رسانه‌های تصویری - دیداری که اثرگذارترین نقش را دارند. البته رسانه‌های مکتوب نیز جای خود را دارند، ولی تاثیر رسانه‌های تصویری غیرقابل انکار است. اگر نگاه کنیم می‌بینیم که تا چندسال پیش تنها چیزی که از افراد دارای معلولیت در رسانه‌ها نشان داده می‌شد، فردی بر روی ویلچر بود که نیازمند کمک دیگران بود. یعنی نمادی که از معلولیت وجود داشت یک نماد ترحم‌آمیز بود. ولی از وقتی که رسانه‌ها به حوزه معلولان پرداخته‌اند، شما معلولان را روی سکوهایی ورزشی در پارالمپیک و صحنه‌های جهانی و بین‌المللی می‌بینید و یا در جاهایی آنها به عنوان نخبه معرفی می‌شوند. در همین مرکز فردی به نام امیر رضایی را داریم که برنده چندین دوره جایزه علمی است. این فرد کارشناس مدیریت دولتی است و بیش از سه اختراع ثبت شده دارد. در جشنواره خوارزمی سه بار مقام آمده است و نفر اول جشنواره حضرت علی اکبر(ع) می‌باشد. وقتی او برای اولین بار به مرکز رعدالغدیر آمد باور ما آن بود که او یک معلول ذهنی است چون این فرد به سختی راه می‌رود و به سختی صحبت می‌کند، ولی بعد

از لیست تولیدات صنایع دستی و قیمت‌های آنان باخبر شوند و اقدام به خرید کنند. علاوه بر این در طول سال و به مناسبت‌هایی، فروشگاه‌ها و نمایشگاه‌هایی را هم در جاهای مختلف برگزار می‌کند و یا در مراسم مراکز دیگر شرکت می‌نماید. به هر حال از طرق مختلف صنایع دستی را به فروش می‌رسانیم. یکی از کارهای دیگری که در این مرکز انجام می‌شود، دعوت از دانش آموزان دبیرستان‌های دخترانه مناطق یک تا پنج است که در هر دعوت، چند کلاس از یک دبیرستان برای بازدید به این‌جا می‌آیند. این دانش‌آموزان علاوه بر آشنایی با توانمندی کارآموزان و دیدار از کلاس‌های آموزشی این مرکز، در سالن کنفرانس مرکز، فیلمی در مورد یکی از توانیابان موفق می‌بینند و پس از دیدن فیلم، از سخنرانی که در مورد حقوق معلولان در سالن اجتماعات برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند. همین بازدیدهای هفتگی شرایط خوبی برای خرید از مرکز را نیز فراهم می‌کند.

مرکز رعدالغدیر چه فعالیت‌هایی در حوزه رسانه‌ای انجام داده است؟

ما تاکنون چهار فیلم مستند تولید کرده‌ایم. هیأت امنای این مرکز بودجه‌ای را تصویب کرده‌اند که هر سال مبلغ مشخصی برای ساخت فیلم مستند هزینه شود، چون معتقد هستیم که این کار در فرهنگ‌سازی



یکی از کارهای دیگری که در این مرکز انجام می‌شود، دعوت از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه مناطق یک تا پنج است که در هر دعوت، چند کلاس از یک دبیرستان برای بازدید از مرکز رعدالغدیر به اینجا می‌آیند

ما با توانایی‌ها و قابلیت‌های او آشنا شدیم. رسانه به عنوان دانشگاه و به عنوان جهت دهنده نگاه مردم به واقعیت‌های مختلف خیلی موثر است و به عبارتی نگاه مردم را مهندسی می‌کند.

البته باید گفت که تلویزیون نسبت به سال‌های قبل خیلی بهتر عمل می‌کند ولی هنوز ایراداتی دارد. هنوز هم اگر بخواهند فرد خطاکاری را نشان دهند، او را روی ویلچر می‌نشانند! طبق مصوبه قانون جامع حقوق معلولان باید هفته‌ای دوساعت از برنامه‌های صداوسیما به معلولان اختصاص داده شود که این اتفاق هنوز نیفتاده است. شاید به این دلیل است که در تلویزیون بحث مالی اهمیت بیشتری دارد و آنتن به موضوعاتی داده می‌شود که بتوانند از آن پول درآورند. البته مواردی وجود دارد که نشان می‌دهد نگاه برنامه‌سازان به مساله معلولیت تا حدودی تغییر کرده است. در عرصه‌های اجتماعی هم این تغییر نگاه به چشم می‌خورد. زمانی که من به کارخانه ایران خودرو مراجعه کردم تا سفارش لباس کار بگیرم، به من خندیدند و گفتند بگو چقدر نیاز مالی داری؟ من گفتم پول نمی‌خواهم، می‌خواهم سفارش کار برای بچه‌ها بگیرم. ولی اکنون تعدادی از شرکت‌ها وقتی سفارش کار می‌دهند باید در نوبت بمانند تا بعد از انجام کار برای شرکت‌های دیگر کار آنها را هم انجام دهیم. رسیدن به این جایگاه یک افتخار است.

برنامه آینده شما در رعد الغدير چیست؟

ما یک برنامه استراتژیک پنج ساله داریم که در هیأت مدیره به تصویب رسیده است. مهم‌ترین هدفمان این است که این مجموعه را به عنوان یک مدل مینیاتوری و به عنوان موفق‌ترین مرکز حرفه‌آموزی معلولان ابتدا در سطح ایران و بعد در خاورمیانه مطرح کنیم که الگویی باشد برای توسعه چنین فعالیت‌هایی. یعنی از شهرها و کشورهای دیگر بیایند و با این مدل آشنا شوند و از آن الگو بگیرند. این مدل توسعه‌ای ما از نظر جغرافیایی است. از نظر عملکردی هدف ما این است که به جایی برسیم که فرد دارای معلولیتی نداشته باشیم که دارای مهارت و فاقد شغل باشد. این بزرگ‌ترین هدف ماست و طبق برنامه ۵ ساله‌ای که مصوب کرده‌ایم در حال فعالیت در این جهت هستیم.

در حوزه اشتغال نیز به دنبال افزایش ظرفیت‌های مجموعه هستیم. به اضافه اینکه شعاری داریم که هر خانه یک کارخانه

پیام من به نیکوکاران این است که نیکوکاری را با کمک به اشتغال پایدار توانیابان تجربه کنید، چون مبالغی که توسط افراد خیر و نیکوکار به مراکز می‌شود، ما پرداخت می‌شود، در زمینه آموزش، کارآفرینی و اشتغال توانیابان هزینه می‌شود

توانبخشی شامل گفتاردرمانی و کاردرمانی برای کودکان زیر ۱۴ سال آرایه شود که این کار در حال انجام است.

اطلاع‌رسانی شما در مورد نحوه فعالیت مرکز رعد الغدير چگونه است؟

اطلاع‌رسانی ما از طریق سایت مرکز صورت می‌گیرد و همچنین با فعالیت‌هایی که در حوزه فیلم مستند و مصاحبه‌هایی که با رسانه‌ها انجام می‌شود، صورت می‌گیرد.

و سخن آخر شما؟

چیزی که من خودم از این افراد یاد گرفتم صبر بر مشکلات است. من بسیاری از مشکلات زندگی را با دیدن این بچه‌ها فراموش می‌کنم. صحبت من با دوستان دارای معلولیت این است که ناامید نشوند و بدانند که خداوند در وجود هر آدمی یک استعداد منحصر به فرد گذاشته است. در مقاله‌ای می‌خواندم که در سوئد خیلی از شغل‌هایی را که برای افراد شنوا مشکل است ناشنویان انجام می‌دهند و یا در فروشگاه‌های رفاه افرادی که کوتاه قد هستند یا به اصطلاح نانایسم هستند برای کار در انبار و قفسه‌ها استخدام شده‌اند یا برای تمیز کردن موتور هواپیماها از این افراد استفاده می‌شود. منظورم این است که خداوند برای هرکسی یک استعدادی گذاشته است که باید همت کرد و آن استعداد را به کار گرفت. اگر دوستان دارای معلولیت همت کنند هیچکس بی‌کار نمی‌ماند. پیام من به نیکوکاران هم این است که نیکوکاری را با کمک به اشتغال پایدار توانیابان تجربه کنید، چون مبالغی که توسط افراد خیر و نیکوکار به مراکز می‌شود، ما پرداخت می‌شود، همه در زمینه آموزش، کارآفرینی و اشتغال توانیابان هزینه می‌شود.

است یعنی برای فرد دارای معلولیت که توان حضور فیزیکی در جامعه را ندارد فعالیت‌هایی مثل مونتاژکاری، خیاطی و فعالیت‌های کامپیوتری در خانه راه اندازی شود. نگاه ما بیشتر نگاه آموزش و اشتغال و کارآفرینی است.

تاکنون چه تعدادی را آموزش داده و به اشتغال رسانده‌اید؟ آیا کسانی هستند که متقاضی باشند ولی شما به دلیل محدودیت نتوانسته باشید بپذیریدشان؟

ما تاکنون بیش از هزار و سیصد نفر از افراد دارای معلولیت این منطقه را آموزش داده‌ایم در حالی که طبق آمار در این منطقه هشت هزار فرد دارای معلولیت زندگی می‌کنند. ما علاوه بر این منطقه، از اسلامشهر، قلعه حسن‌خان و مناطق هم‌جوار نیز داوطلب داریم. هم منطقه جنوب و هم منطقه جنوب غرب را پوشش می‌دهیم. ما برای هر شخصی که وارد مجموعه می‌شود یک دوره آموزشی ۱۲ ماهه و در صورت نیاز ۱۸ ماهه را در نظر می‌گیریم و عقیده داریم فرد در این دوره زمانی یا باید نتیجه بگیرد و یا باید جایش را به دیگری بدهد. چون برای هر شخصی که وارد این مرکز می‌شود معادل سیصد هزار تومان در ماه هزینه صرف می‌شود که شامل خدمات آموزشی، توانبخشی و رفاهی است. فعالیت رعد الغدير از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر برای افراد بالای ۱۴ سال است. ولی با توجه به درخواستی که در این منطقه وجود داشت و با هدف پیشگیری از معلولیتی که در برنامه داریم، هیأت امنای مرکز تصویب کرد که در ساعت خارج از کار مجموعه یعنی از ۱۴ تا ۱۸ شب هم خدمات



امیرعباس تقی پور، فوق لیسانس رشته علوم سیاسی و فعال در حوزه ارتباطی و فرهنگی است. او می‌گوید: "حضورم در کارهای فرهنگی برمی‌گردد به دوران نوجوانی و علاقه‌ای که از آن دوران به این حوزه داشتم. از وقتی که به‌طور جدی وارد کار اجتماعی شدم، انتخابم حوزه ارتباطات، روابط عمومی و رسانه بود و تمام سوابق کاری من در زمینه روابط عمومی و رسانه است. او صاحب امتیاز و مدیر مسئول ماهنامه مدیریت ارتباطات است و امروز که با ما صحبت می‌کند، شصت و یکمین شماره این ماهنامه را منتشر کرده‌است. ماهنامه مدیریت ارتباطات، یک ماهنامه تخصصی در حوزه روابط عمومی، رسانه، جامعه اطلاعاتی، بازاریابی و تبلیغات (یعنی پنج حوزه مدیریت ارتباطات) می‌باشد. در چند شماره از این نشریه، پرونده‌هایی به حوزه معلولیت اختصاص داشته‌است، از این رو با این کارشناس رسانه‌ای به گفت‌وگو نشستیم که می‌خوانید.

رسانه‌های تخصصی، عامل مهم توجه مسؤولان به مشکلات معلولان محسوب می‌شوند

امیر عباس تقی پور | صاحب امتیاز و مدیر مسئول ماهنامه مدیریت ارتباطات

دارای معلولیت تشکیل می‌دهند، رسانه‌ها چقدر می‌توانند در پیگیری و تحقق حقوق شهروندی این افراد نقش داشته باشند؟ رسانه به هر حال یک ابزار است. من فکر می‌کنم رسانه در صورتی می‌تواند تأثیرگذار باشد که خود این جامعه ده درصدی، اراده و خواستشان را تعریف کرده باشند. این تعریف و ایستادگی پای خواسته‌های منطقی، ارزش خلق کرده و رسانه‌ها را به دنبالشان می‌کشاند. در این ده - پانزده سال اخیر که سمن‌ها خیلی فعال‌تر شده‌اند، جامعه معلولان متوجه شده‌اند که می‌توانند با فضا سازی و تلاش، خودشان را به اثبات برسانند و حقشان را از جامعه بگیرند. از طرفی جامعه نیز به همان اندازه، به تعبیر بنده احساس شرمندگی کرده است. افراد به ظاهر تندرست وقتی در مقابل توانمندی این افراد قرار می‌گیرند، متحیر می‌شوند و این‌جاست که اتفاقی می‌افتد. همین نشریات و سایت‌هایی که توسط افراد دارای معلولیت اداره می‌شوند، این کارکرد را دارند. بسیاری از افراد تندرست، توانایی و انگیزه کافی برای این پیگیری‌ها را ندارند و نشریاتشان

کنیم. در حوزه معلولیت هم همین‌طور است. به نظر من نشریات تخصصی مثل توانیاب که در این حوزه کار می‌کنند هرچه جلوتر بروند می‌توانند تأثیرگذاری بیشتری در کلیت جامعه به‌خصوص در حوزه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر داشته باشند. نهایتاً اگر رسانه‌ها خوب کار کنند، یکی از مهم‌ترین چالش‌ها یعنی عدم توجه مسؤولان را از طریق همین رسانه‌ها می‌توانند برطرف کنند. نمایندگان مجلس واقعاً چقدر در حین وضع قوانین، وضعیت خاص افراد دارای معلولیت را در نظر می‌گیرند؟ تصمیم‌گیران در وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها چقدر با مشکلات این افراد آشنا هستند و در برنامه‌ریزی‌ها آنها را در نظر می‌گیرند؟ بخش عمده‌ای از این در نظر نگرفتن‌ها ارادی نیست، بلکه از روی عدم شناخت و آگاهی است. باور دارم رسانه‌های تخصصی حوزه معلولیت خودشان را به مسؤولان تحمیل خواهند کرد و به‌عنوان عاملی مهم موجب افزایش آگاهی و اطلاع آنها از مشکلات معلولان خواهند شد.

با توجه به این‌که ده درصد جامعه ما را افراد

با توجه به سابقه رسانه‌ای و فعالیت‌هایی که در زمینه معلولیت داشته‌اید، نقش رسانه را در این حوزه چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر من یک رابطه دو طرفه در این حوزه وجود دارد. یعنی هم رسانه‌ها می‌توانند در مسیر معرفی توانمندی‌ها و کمک به رفع نیازمندی‌های افراد دارای معلولیت حرکت کنند و هم آنها با نگاه خاصی که به مسائل اجتماعی و تجربه‌ای که از معلولیت دارند، می‌توانند به تولید مطلب در این حوزه بپردازند، بنویسند و روی کارکردهای مطبوعاتی و رسانه‌ای تأثیر بگذارند. خوشبختانه اتفاقی که افتاده این است که رسانه‌ها دائماً در حال تخصصی‌تر شدن هستند. یکی از برکات فناوری‌های نو و تأثیر آن بر کارکرد رسانه این است که باعث شده صاحبان رسانه برای این‌که بتوانند بازار و خوانندگان خود را حفظ کنند مجبور می‌شوند به سراغ تولید بروند. از آنجا که اخبار عمومی توسط رسانه‌های آنلاین هر لحظه پوشش داده می‌شوند، پس بهتر است که تخصصی‌تر به موضوعات نگاه کنند. این نگاه تخصصی باعث می‌شود که ما مخاطبان تخصصی پیدا



شماره ۱۴ - تابستان ۱۳۹۴

پس از چند شماره به تعطیلی کشانده می‌شود. در سال‌های اخیر با فعال شدن سمن‌ها، برگزاری نمایشگاه‌ها، جشنواره‌ها، بازارچه‌های خیریه و برگزاری نشست‌های تخصصی و بازتاب آنها در رسانه‌ها، این اقشار و توانایی‌هایشان بیشتر دیده می‌شود. نباید خیلی عجله داشت. به هر حال دنیای پرتلاطم در همه حوزه‌ها در حال پیشرفت است که یک بخش آن جامعه معلولان است. به نظر من هرچقدر فعالیت جامعه معلولان پررنگ‌تر باشد، رسانه‌ها را بیشتر به دنبال خود خواهند کشید و آنها به اهدافشان نزدیک‌تر می‌شوند.

شما نقش سمن‌ها و خود افراد دارای معلولیت را در حوزه رسانه مهم‌تر از سایرین می‌دانید. درست است؟

بله. شاید رسانه‌های ما در مواردی غافل باشند و به همه پدیده‌ها توجه نکنند یا احساس کنند که مخاطبان‌شان با بعضی از موضوعات همراه نخواهند بود. اما فعالیت سمن‌های افراد دارای معلولیت، چه گروه‌هایی که در حوزه اقتصادی فعالیت می‌کنند و چه گروه‌هایی که در حوزه فرهنگی و اجتماعی فعالند، خودش جنبه رسانه‌ای پیدا می‌کند و باعث می‌شود که سایر رسانه‌ها هم به این حوزه بیشتر توجه کنند. این جلب توجه طبیعتاً بخشی از نیازهای فرهنگی و رسانه‌ای را حل می‌کند. از این طریق توجه نمایندگان مجلس، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و مسوولان جلب می‌شود و خواسته‌های این عزیزان بیشتر از قبل، مطرح خواهد شد.

حدود ده سال از تصویب قانون جامع حمایت از حقوق معلولان می‌گذرد و در این قانون قوانین زیادی در مورد مناسب سازی، استخدام، تخصیص برنامه‌های صداوسیما به امور افراد دارای معلولیت و... مورد توجه قرار گرفته است. این نشان می‌دهد از لحاظ قانون چیزی کم نداریم، ولی نظارتی بر اجرای این قوانین وجود ندارد. آیا افراد برنامه‌ریز و تصمیم‌گیرنده جامعه، دغدغه‌ای در این مورد ندارند؟

من با این حرف کاملاً موافق هستم. ولی همان‌طور که گفتم این به دلیل عدم آگاهی این افراد است. بازهم این مساله به فعالیت سمن‌ها برمی‌گردد که باید حوزه

با افتخار می‌گویم که یکی از پرونده‌های درجه یک ما در ماهنامه مدیریت ارتباطات که بیشترین خواننده را داشت، پرونده رسانه و معلولیت بود

فعالیت خود را گسترده‌تر کنند. من معتقدم اگر سمن‌ها با نمایندگان مجلس و یا با کمیسیون‌های مختلف در دولت نشست بگذارند، می‌توانند نتیجه بگیرند. همین نمایشگاه‌هایی که برگزار می‌شود و نمایندگان مجلس را دعوت می‌کنند یا بازارچه‌های خیریه‌ای که گذاشته می‌شود و مسئولان از آنها بازدید می‌کنند و با کار سمن‌ها آشنا می‌شوند، همه این کارها اثرگذار هستند. همین که قانون جامع حقوق معلولان تصویب شد، امیدی ایجاد کرد. بخش نظارتی ما فقط در اعمال قوانین مربوط به معلولان ضعف ندارد، در همه زمینه‌ها ضعیف است. به نظر من باید به دستاوردها توجه کنیم، تصویب قانون جامع حقوق معلولان، یک قدم رو به جلو است. اگر صداوسیما آن دو ساعت برنامه‌ای که موظف است داشته باشد را اجرا نمی‌کند، به چه دلیل است؟ سمن‌های فعال اگر دست به دست هم دهند، نامه‌نگاری کنند و درخواست یک جلسه با رئیس سازمان صداوسیما داشته باشند، حتماً یک گام به جلو برداشته می‌شود. در چنین حالتی نه تنها رسانه‌های تصویری مثل صداوسیما و شبکه‌ها مختلف آن، بلکه همین بحث را می‌توان به مدیران مسئول مطبوعات کشاند و شک نداشته باشید که این افراد از لحاظ انسانی و اعتقادی احساس وظیفه می‌کنند. از این طریق حمایت‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد.

شما به عنوان مدیرمسئول ماهنامه مدیریت ارتباطات، پرونده‌هایی از ماهنامه را به موضوع معلولیت اختصاص داده‌اید و خیلی خوب هم در این حوزه کار کرده‌اید. اگر به

صورت تخصصی به بحث رسانه‌ها توجه کنیم به نظرتان رسانه‌ها چه فعالیت‌هایی را برای این گروه مخاطب باید انجام بدهند؟ در رسانه‌های خارج از کشور دیده می‌شود که برای حضور در حوزه افراد دارای معلولیت دستورالعمل‌هایی وجود دارد. به نظر شما چه اقدامی در این مورد برای رسانه‌ها باید انجام شود؟

من فکر می‌کنم هر رسانه‌ای در کنار مسئولیت‌های رسانه‌ای که برعهده دارد، یک مسؤلیت و کارکرد اجتماعی هم دارد. در دسته‌بندی‌هایی که برای کارکرد اجتماعی رسانه می‌توان لحاظ کرد یک بخش آن گروه‌های اجتماعی هستند که افراد دارای معلولیت جزئی از این بخش محسوب می‌شوند. هر رسانه‌ای که احساس مسؤلیت بیشتری در قبال ایفای نقش اجتماعی خودش می‌کند، حاضر می‌شود در این حوزه‌ها به تولید محتوا بپردازد. تولید محتوایی که به نفع افراد دارای معلولیت تمام شود. این نفع رسانی، در جهات مختلف و البته دو طرفه است یعنی رسانه هم سود می‌برد. در جایی ممکن است اشتغال این افراد مورد نظر باشد که در نشریه باید فرصت‌های شغلی برای افراد دارای معلولیت معرفی شود. یا در جایی می‌شود با معرفی توانمندی‌های یک فرد موفق دارای معلولیت، در تعداد زیادی از معلولان سرخورده و گوشه‌گیر ایجاد انگیزه کرد. وقتی این افراد می‌بینند که فردی بدون داشتن دو دست با پایش نقاشی می‌کشد و آثار فوق‌العاده‌ای خلق می‌کند، از انزوا و گوشه‌گیری بیرون می‌آید. او سعی می‌کند توانمندی خودش را بشناسد و شروع به حرکت کند. یا چنانچه بیایم یک الگوی اجتماعی موفق را در حوزه شهری در خصوص معلولیت در نشریه معرفی کنیم، شاید به الگویی برای مسوولان شهری ما تبدیل شود. یک زمان دغدغه افراد دارای معلولیت بالا رفتن از پله‌ها بود ولی الان می‌بینیم که در حوزه معماری این یک وظیفه است که هر ساختمانی که ساخته می‌شود، رمپی هم در کنارش ساخته شود. این از کجا شکل گرفت؟ ابتدا خود افراد دارای معلولیت این نیاز و خواسته را مطالبه کردند و البته در کنار آن اعتمادسازی هم انجام دادند و بعد آرام آرام این مساله مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت، بزرگ شد و اهمیت آن بازگو شد و نتیجه‌اش این شد که اکنون رمپ یا بالابر



برای ساختمان‌ها در نظر گرفته می‌شود. گرچه گاهی این رمپ‌ها استاندارد هم نیستند!

ولی همین که جایگاهی برای رفت و آمد افراد دارای معلولیت در نظر گرفته شده، بسیار مهم است. به نظرم این تنها یک وظیفه رسانه‌های نیست، یک همکاری بین اضلاع یک چند ضلعی است. اگر رسانه‌های ما احساس مسوولیت اجتماعی کنند و به موضوع بپردازند و اضلاع دیگر همبه وظایف خود آگاه باشند، به نتیجه خوبی می‌رسیم. شاید شما به دنبال این باشید که از زبان من بشنوید که رسانه‌های ما موظف هستند به موضوع معلولیت بپردازند. می‌خواهم از بیان این جمله که «رسانه‌ها موظف به پوشش اخبار معلولان هستند» پرهیز کنم چرا که ارزش‌های خبری فعالیت معلولان، عامل مهمی در جلب توجه رسانه‌هاست. این‌طور برعکس می‌شود یعنی رسانه‌ها به سمت معلولان می‌آیند.

به نظر من جامعه معلولان باید با افتخار و از سر قدرت نسبت به حقوق خود مطالبه‌گری کند. آن فرد نقاشی که با پایش نقاشی می‌کند باید بهترین گالری‌های کشور در اختیارش قرار بگیرد تا آثارش را به نمایش بگذارد. این فرد با اثری که بر جا می‌گذارد تکثیر می‌شود و آن موقع بهترین گالری‌های کشور و بهترین موزه‌های دنیا باید کار او را نشان دهند تا به الگو تبدیل شود. اینجا

مطالبه‌گری صورت گرفته است ولی نه از سر نیاز، بلکه از سر توانمندی و قدرت. به همین دلیل مایل نیستم بگویم رسانه‌های ما وظیفه دارند که نگاهی به این افراد داشته باشند. جامعه معلولان با ارزش‌هایی که خلق می‌کند رسانه‌ها را به سمت خودش می‌کشاند.

مثالی می‌زنم: چند وقت پیش ما از بیمارستان ۱۷ شهریور مشهد که متعلق به سازمان تامین اجتماعی است بازدید داشتیم. در آنجا خانمی را به ما معرفی کردند که بیش از سه سال در آنجا بستری است و شعری را قاب کرده بودند و بالای سرش گذاشته بودند. شعری بود که ایشان سروده بود. در صورتی که این خانم فقط از طریق اشاره با چشمانش می‌توانست با اطرافیان ارتباط برقرار کند و هیچ‌گونه حرکت و توانایی جسمی نداشت و حرف نیز نمی‌زد. بر روی تابلویی حروف الفبا را نوشته بودند و جلوی صورت ایشان می‌گرفتند و ایشان نیازهای ضروری، مثل آب و غذا را با اشاره چشم به این حروف به دیگران منتقل می‌کرد. این خانم از طریق اشاره به حروف با چشم این شعر را گفته بود. بعد ما متوجه شدیم که ایشان یک دفترچه شعر هم دارد. خوب این اتفاق ارزش خبری داشت. من ماه پیش خبرنگاران را به مشهد بردم و این شخص را معرفی کردم و پس از آن این خبر در تمام رسانه‌ها و حتی بخش‌های خبری سیما نیز پخش شد. توانمندی این فرد و ارزش خبری کاری که کرده بود باعث شد تمام رسانه‌ها توجهشان به او جلب شود. باید این چنین موقعیت‌هایی را از جهات فرهنگی، اجتماعی و هنری در بین افراد دارای معلولیت کشف کرد که کم هم نیستند. اگر این تاثیرگذاری‌ها را کشف و اعلام کنیم، آن وقت آن رسانه‌ها هستند که به دنبال این افراد می‌دوند.

رسانه و خبرنگار چشم‌بیدار جامعه هستند. اگر حضور شما در آن بیمارستان نبود شاید این قضیه هیچ‌وقت رسانه‌ای نمی‌شد. شما به عنوان کسی که تعلق خاطر دارید و کار رسانه‌ای کرده‌اید، این آگاهی را داشته‌اید. حوزه معلولان چه باید بکنند تا رسانه‌ها حساس شوند. چون این اتفاق‌ها زیاد است ولی رسانه‌ها حساس نیستند؟

شما در سمن‌هایی که تشکیل می‌دهید و گردهمایی‌هایی که دارید، مسائل خود را مطرح می‌کنید و نیازهایتان را شناسایی کرده و راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهید و گاهی هم این راهکارها را خودتان عملیاتی می‌کنید و اقداماتی انجام می‌دهید. مثلاً ممکن است شما نیازهای مالی محدود معلولان را بتوانید از طریق ایجاد یک صندوق قرض‌الحسنه حل کنید ولی وقتی موضوع مسکن معلولان پیش بیاید شما نیاز پیدا می‌کنید به



رسانه‌های تخصصی حوزه معلولیت خودشان را به مسوولان تحمیل خواهند کرد و به عنوان عاملی مهم موجب افزایش آگاهی و اطلاع آنها از مشکلات معلولان خواهند شد

سازمان‌های متولی مسکن رجوع کنید و جور دیگری مساله را پیگیری کنید. کار اولیه ایجاد گروه‌ها و سمن‌هاست. در همین گروه‌ها باید یک واحد ارتباطی یا روابط عمومی فعال وجود داشته باشد تا افراد توانمندی را که دارای خلاقیت هستند شناسایی کند و آنها را به رسانه‌ها معرفی کنند. این‌گونه، رسانه‌ها درگیر می‌شوند. آن‌جا که رسانه‌ها احساس مسئولیت اجتماعی می‌کنند، طبیعتاً برای این حوزه فایلی را باز می‌کنند. من با افتخار می‌گویم که یکی از پرونده‌های درجه یک ما در ماهنامه مدیریت ارتباطات که بیشترین خواننده را داشت، همان پرونده رسانه و معلولیت بود. یعنی کار در این حوزه، برای ما هم ارزش ایجاد کرد. با افتخار این کار را انجام دادیم و با افتخار هم حاضریم آن را ادامه دهیم. از نظر حرفه‌ای، این یک موضوع دو طرفه است که نفع آن به همه جامعه می‌رسد. بنابراین در کانون‌ها و سمن‌هایی که ایجاد می‌کنید حتماً باید بخش روابط عمومی هم داشته باشید و همان‌طور که به مسائل مختلف خود به صورت تخصصی نگاه می‌کنید، بخشی را هم به‌عنوان روابط عمومی و تعامل با رسانه‌ها ایجاد کنید. به نظر من اشکالی ندارد سمن‌ها با هم جمع شوند و جلسهای با مدیران مسئول مطبوعات داشته باشند. ما حاضریم اولین جلسه آن را خودمان عملیاتی کنیم تا بتوانیم سهم صفحه یا پرونده را در روزنامه‌ها و نشریات مختلف بگیریم. اگر فکر می‌کنید زمان آن رسیده که هر روز در صفحات مطبوعات به مسائل حوزه معلولان پرداخته شود، این کار را می‌توان راه انداخت.

متاسفانه نگاهی که در رسانه‌ها به افراد دارای معلولیت وجود دارد، نگاه ترحم‌آمیز یا قضاوت‌آمیز است که باعث رنجش و ناراحتی دوستان می‌شود. در این خصوص

برگزاری جشنواره دوسالانه رسانه و معلولیت را پیشنهاد می‌کنم و به عنوان مدیر مسؤول ماهنامه تخصصی مدیریت ارتباطات که یکی، دو پرونده هم در حوزه معلولیت داشته است، حاضرم به برگزاری این جشنواره کمک کنم

چه می‌شود کرد؟

من نمی‌خواهم افراد دارای معلولیت را آدم‌های خارق‌العاده و توانمند و بدون مشکل جلوه بدهم، چون این نگاه گمراه کننده است. ما با واقعیتی روبرو هستیم که باید آن را بپذیریم. به همان اندازه که فرد دارای معلولیت کم توان داریم افراد معلول توانمند هم داریم. اگر در بین افراد دارای معلولیت، معلولان پیشتازی پیدا کردیم که دیگران بتوانند آنها را الگو قرار بدهند، طبیعتاً ارزش بیشتری دارد. رسانه‌های ما از جمله صدا و سیما رفتار با پدیده معلولیت را تجربه نکرده‌اند. آنها نیاز به ارتقای شناخت و اصلاح رفتار در برابر معلولان دارند.

رسانه‌هایی که لازم است در این حوزه کار کنند چه خصوصاتی باید داشته باشند؟

رسانه‌هایی که در حوزه معلولان کار می‌کنند می‌توانند چند نوع باشند. رسانه توسط معلولان برای معلولان، رسانه توسط معلولان برای افراد غیرمعلول و رسانه توسط افراد غیرمعلول برای معلولان. این یک نقطه شروع است برای این‌که به جایی

برسیم که رسانه‌های متعددی در این حوزه داشته باشیم. نباید لزوماً توسط افراد دارای معلولیت برای افراد معلول مطلب بنویسیم. باید به دنبال این باشیم که بگوییم رفتار با معلولان چگونه باید باشد و این را برای افراد تندرست و غیرمعلول باید نوشت. باید این بحث‌ها و گفتگوها را به اساتید علوم ارتباطات تعمیم داد. آیا رسانه‌های ما چیزی به عنوان افراد دارای معلولیت را جدا از بقیه می‌توانند فرض کنند؟ در حوزه ارتباطات برای افراد دارای معلولیت چطور رسانه‌ای باید داشته باشیم؟ مطالب آن چگونه باید باشد؟ اینها مسائلی است که ما در نقطه شروع هستیم ولی چشم‌انداز آن قطعاً مثبت است. به خاطر این‌که در چندسالی که من به این حوزه علاقمند شده‌ام احساسم این است که جنبه صرفاً منفی از معلولیت، جایش را کم‌کم دارد به جنبه‌های مثبت از توان معلولان می‌دهد و توازن برقرار می‌شود. این توازن به نفع همه است، چه افراد دارای معلولیت و چه افراد تندرست و کل جامعه از آن بهره می‌برد.

لطفاً اگر صحبت دیگری دارید که نگفته‌اید را بگویید:

پیشنهادی دارم که اگر اجرا شود، روند جلب توجه رسانه‌ها را به موضوع معلولیت بیشتر می‌کند. برگزاری جشنواره دوسالانه رسانه و معلولیت را پیشنهاد می‌کنم و به عنوان مدیرمسئول ماهنامه تخصصی مدیریت ارتباطات که یکی، دو پرونده هم در حوزه معلولیت داشته است، حاضرم به برگزاری این جشنواره کمک کنم. برگزاری چنین جشنواره‌هایی عده‌ای را مجاب می‌کند که بروند و درباره معلولیت و معلولان تحقیق کنند. به هر حال این کار راحتی نیست و تاکنون هم چنین جشنواره‌ای برگزار نشده است ولی ما آمادگی همکاری با مجتمع رعد برای برگزاری چنین جشنواره‌ای را داریم.



خلاصه‌ای از پایان نامه کارشناسی ارشد

انعکاس معلولیت در آثار سینمایی بر مبنای الگوهای معلولیت

پریسا افتخار^۱

(دانشجوی دکتری رشته مدیریت فرهنگی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران)

1-Pari_eftekhar@yahoo.com

www.parisaeftekar.blogfa.com

الگوهای پیشین کرده است.

* از این رو، در این مقاله، سعی بر این بوده است که منتخب آثار سینمایی مربوط به دو دهه گذشته ایران و سایر کشورها در رابطه با معلولیت، از نظر محتوایی مورد تحلیل قرار گرفته و میزان انطباق آن با الگوهای معلولیت و کلیشه‌های رایج در این حوزه بررسی شود تا از این طریق بتوان تبیینی از نحوه بازنمایی معلولیت در سینما ارائه داد.

* این تحقیق بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی است. مؤلفه‌های مربوط به الگوهای مطرح معلولیت (الگوی فردی و اجتماعی) در نظریه مایکل الیور (۱۹۹۵)، توسط محقق مشخص گردید. همچنین برای پاسخ به برخی سوال‌های دیگر پژوهش، کلیشه‌های مربوط به معلولیت بر اساس نظریه نلسون (۱۹۹۶) مورد استفاده قرار گرفته‌است. سپس به تناسب هر یک از سوال‌های پژوهشی، محتوای هر کدام از فیلم‌ها سه بار مشاهده شد و میزان انطباق آنها با چک لیست محقق ساخته بر اساس مؤلفه‌های الگوهای معلولیت و کلیشه‌سازی در این خصوص مورد بررسی قرار گرفت.

* به طبع تکنیک مورد استفاده در این تحقیق تحلیل محتوای کمی و کیفی بوده است.

* جامعه آماری این تحقیق فیلم‌های ایرانی و خارجی مرتبط با معلولیت در دو دهه گذشته بوده که دو فیلم ایرانی و دو فیلم خارجی به عنوان نمونه به روش تصادفی انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته است.

* نتایج حاکی از آن است که انعکاس معلولیت در فیلم‌های ایرانی مورد تحلیل این پژوهش در حال عبور از الگوی فردی به الگوی اجتماعی معلولیت است ولی این امر تحقق کامل نیافته است. بازنمایی مبتنی بر کلیشه نیز، همچنان در این فیلم‌ها به چشم می‌خورد. انعکاس معلولیت در فیلم‌های خارجی مورد بررسی نیز انطباق زیادی با الگوی اجتماعی معلولیت داشته و میزان بازنمایی افراد دارای معلولیت به صورت کلیشه‌ای کم بوده است.

* لازم به ذکر است که مقاله علمی پژوهشی استخراج شده از این پایان‌نامه با همین عنوان، پاییز سال ۹۲ در فصلنامه مدیریت فرهنگی به چاپ رسیده است. افرادی که مایل هستند در رابطه با نحوه و چگونگی مراحل انجام این تحقیق و اطلاعات آماری آن بیشتر بدانند می‌توانند با مراجعه به لینک زیر، اصل مقاله را دریافت کرده و مطالعه نمایند.

1- http://jcm.srbiau.ac.ir/article_3310_703.html

* معلولیت با گستره بسیار وسیع خود؛ پیچیدگی‌های فراوانی را به همراه دارد که در فرهنگ‌های مختلف به صورت‌های گوناگون خود را نشان می‌دهد. زمان بسیار طولانی گذشته است تا تغییر باورها و نگرش‌ها نسبت به حقوق انسانی بشر پدیدار گشته و در این میان نگاهی نیز به حقوق افراد دارای معلولیت افکنده شده است. به نظر می‌رسد سیر تاریخی نگرش به معلولیت و برخورد با افراد دارای معلولیت روند رو به رشد و تکاملی را داشته ولی همچنان کلیشه‌های گذشته رنگ و بوی خود را حفظ کرده و در میان برخی فرهنگ‌ها به‌ویژه جوامع در حال توسعه، بیشتر به چشم می‌خورد.

* رسانه‌های همگانی به دلیل تاثیر عمیق اجتماعی فرهنگی به طور اعم و البته رسانه سینما به دلیل ابعاد فراگیرش به طور اخص، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است. سینما به عنوان نخستین وسیله ارتباط جمعی که باعث شکل‌گیری مخاطبان انبوه شده است به صورت ابزار تقویت و انتقال ارزش‌های فرهنگی و اندیشه‌ها شناخته شده است.

* در جامعه کنونی نیز، تقریباً همه افراد به سالن‌های سینما می‌روند یا به تماشای فیلم در تلویزیون و سینمای خانگی می‌پردازند. برای خیلی از افرادی که تماس مستقیم با افراد دارای معلولیت ندارند، فیلم، بدون در نظر گرفتن صحت آن، به‌عنوان یک منبع اصلی اطلاعات در زمینه ماهیت معلولیت محسوب می‌شود.

* سینما، به عنوان یک منبع بزرگ اطلاعات در مورد معلولیت برای میلیون‌ها نفر از بینندگان عمل می‌کند و نمایش و بازنمایی معلولیت نیز نقش اساسی در چگونگی موقعیت افراد دارای معلولیت در جامعه و درک و آگاهی جامعه از معلولیت دارد.

* در این عصر تکنولوژیک رسانه محور که بیشتر تکیه آن بر تصاویر بصری است، واقع‌گرایی از اهمیت بسیاری برخوردار است و به شدت مورد نیاز است که تصاویر شخص محور مبتنی بر واقعیت و صحیح از افراد دارای معلولیتی که درگیر کارهای روزمره و زندگی هستند نمایش داده شود و در این میان فیلم ابزاری است که می‌توان از آن برای ایجاد همدلی و درک متقابل در این زمینه بهره برد.

* در دهه‌های اخیر در سایه پیشرفت فرهنگ و علوم، افزایش آگاهی‌های عمومی و تخصصی، انقلاب اطلاعات و ارتباطات و تلاش‌های انجمن‌های حامی افراد دارای معلولیت شاهد تغییراتی در زمینه الگوهای نگرشی حاکم نسبت به مقوله معلولیت بوده‌ایم. به طوری که امروزه برنامه‌ها و اقدام‌های مربوط به احقاق حقوق افراد دارای معلولیت یکی از شاخص‌های رشد فرهنگی و اجتماعی جوامع محسوب می‌شود و الگوی موجود کنونی تفاوت عمیق و اساسی با



شماره ۴، تابستان ۱۳۹۴

وحید مهدی‌زاده و فاطمه صارمی زوج هنرمندی هستند که مشغول تهیه و تولید یک مجموعه سیزده قسمتی در مورد مناسب‌سازی شهری برای شبکه مستند سیمای جمهوری اسلامی هستند. وحید تئاتر کار می‌کند و در کنار آن فیلم کوتاه و مستند هم می‌سازد. او چندین پروژه با دکتر پورحسین و تاجیک مدیران شبکه مستند کار کرده است. فاطمه نیز تحصیلات دانشگاهی تئاتر دارد و دوازده سال است که کار تئاتر را به صورت حرفه‌ای انجام می‌دهد. او ۶ سال است که به همراه همسرش مستند هم می‌سازد. این مجموعه سیزده قسمتی به کارگردانی فاطمه صارمی و تهیه‌کنندگی وحید مهدی‌زاده برای شبکه مستند تولید می‌شود. برای آشنا شدن با این مجموعه مستند با آنها به گفت‌وگو می‌نشینیم.



سیزده مستند، برای شهر بدون مانع!

در گفتگو با وحید مهدی‌زاده و فاطمه صارمی عنوان شد:

غیرمعلول از فرصت‌های برابر در جامعه و از حقوق شهروندی یکسانی برخوردار باشند و این حاصل نمی‌شود، مگر این که امکانات شهر برای همه مناسب شود. فرد ناتوان جسمی، کسی نیست که حتما روی ویلچر می‌نشیند یک نابینا، یک ناشنوا، سالمندی که به سختی راه می‌رود و حتی یک خانم باردار و یا مادری که با کالسکه کودکش را حمل می‌کند چنانچه شهر مناسب‌سازی نشده‌باشد، معلول محسوب می‌شود. پس مناسب‌سازی شهری ضرورتی برای همه افراد جامعه است. در سال ۱۳۸۳ قانونی در ۱۶ ماده، تحت عنوان قانون حمایت از معلولان در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. یکی از این مواد، مناسب‌سازی شهری است که بخشی از آن هم فرهنگ‌سازی است. بسیاری از افراد تندرست، با مشکلاتی که افراد دارای معلولیت با آن روبه‌رو هستند آشنایی ندارند برای همین است که خیلی از ماشین‌ها مقابل پل عابر پارک می‌شوند و یا خیلی از پیاده‌روها با موتورسیکلت‌ها و جعبه‌های دور ریختنی محدود می‌شوند! تلاش ما این است که با ساختن این

نیز تهیه‌کنندگی آن را به عهده داریم. در این طرح، سیزده موضوع مختلف وجود دارد. خانم صارمی در این مورد بیشتر توضیح می‌دهند.

صارمی: هدف کلی این مجموعه سیزده قسمتی، این است که براساس کارشناسی و با ریشه‌یابی مشکلات و معضلات در میلمان شهری و ارائه راهکار، به یک شهراپده‌آل برسیم. غالب شهرهای ایران از تهران گرفته تا شهرهای کوچک و حتی روستاها پراز موانع هستند و امکان حرکت و رفت و آمد را از افراد دارای معلولیت و هرکسی که جوان و سالم نباشد گرفته‌است. در واقع در این پروژه به دنبال حرکت به سمت یک شهراپده‌آل هستیم. یعنی می‌خواهیم گام به‌گام جلو برویم و سعی کنیم موانع را مشخص کنیم. طبق قانون اساسی کشور و نیز طبق تعالیم اسلامی و وجدان اخلاقی، انسان‌ها با یکدیگر برابرند و همه شهروندان از حقوق یکسانی برخوردار هستند، به همین دلیل باید شهرهایی داشته باشیم که این برابری را در همه اشکال نشان بدهد. یعنی یک فرد دارای معلولیت مثل یک شخص تندرست و

شما در حال ساخت یک مجموعه سیزده قسمتی برای شبکه مستند سیمای درخصوص مناسب‌سازی هستید. در مورد این طرح و چگونگی شکل‌گیری آن توضیح دهید؟

مهدی‌زاده: طی دیداری که با دکتر کاظمی رئیس دبیرخانه ستاد مناسب‌سازی سازمان بهزیستی داشتیم ایشان طرح این پروژه را با من در میان گذاشتند. من از این طرح خیلی خوشم آمد و دنبال آن را گرفتم. در آن زمان دکتر پورحسین مدیر شبکه مستند و آقای پورابراهیمی هم مدیر طرح برنامه این شبکه بودند. با این افراد وارد مذاکره شده و طرحم را پیشنهاد دادم که مورد استقبال قرار گرفت و کار به این ترتیب شکل گرفت. البته یک پروسه چند ماهه طی شد تا طرح تصویب و به مرحله اجرا رسید.

طرح مصوب شما چه بود؟

مهدی‌زاده: قرار بر این شد که سیزده قسمت سی دقیقه‌ای در مورد مناسب‌سازی میلمان شهری برای افراد دارای معلولیت، فیلم مستند بسازیم. کارگردان و نویسنده این مجموعه خانم صارمی هستند و من

مجموعه در جهت بالا بردن آگاهی مردم، ریشه‌یابی مشکلات و معضلات مناسب‌سازی و فرهنگ‌سازی گام برداریم.

در مورد محتوای این مجموعه سیزده قسمتی بیشتر توضیح دهید.

صارمی: در قسمت اول این مجموعه در مورد مفهوم شهرسازی و تاریخچه شهرنشینی در ایران که از دوره ساسانیان شکل گرفته صحبت می‌شود.

در این قسمت یک پیش زمینه در مخاطب ایجاد می‌شود که بداند چرا باید به مناسب‌سازی میلمان شهری اهمیت داده شود. در واقع قسمت اول مانند مقدمه کتاب است. در قسمت بعدی به رابطه متقابل بین زیباسازی شهری و مناسب‌سازی شهری پرداخته می‌شود.

در این قسمت با کارشناسان مختلف از آرشیوتکت‌ها و طراحان شهری تا کارشناسان شهرداری و حتی نمایندگان مجلس صحبت می‌شود که آیا زیباسازی و مناسب‌سازی در کنار هم هستند و یا در تضاد با همدیگرند. عده‌ای معتقدند مناسب‌سازی باعث لطمه به زیباسازی در شهر می‌شود، عده دیگری عقیده دارند مناسب‌سازی هزینه‌گرافی دارد و شدنی نیست و عده‌ای هم معتقدند که وجود این دو در کنار هم الزامی و حیاتی است. قسمت دیگری از این مجموعه به مقایسه مناسب‌سازی در ایران با دیگر کشورهای جهان و یکسری از کشورهای اروپایی مثل آلمان و سوئد که در این زمینه بسیار پیشرو هستند، می‌پردازند. ما دو قسمت از این مجموعه سیزده قسمتی را به این بحث اختصاص داده‌ایم. قسمت دیگری از این مجموعه این مفهوم را به تصویر می‌کشد که در صورت عدم مناسب‌سازی شهری، فقط فرد دارای معلولیت نیست که توانایی و پتانسیل کاریش را از دست می‌دهد، بلکه جامعه نیز از بخشی از نیروهای توانمند خود محروم می‌ماند. در قسمت دیگر تأثیرات منفی که عدم مناسب‌سازی بر روح و روان افراد دارای معلولیت برجای می‌گذارد؛ مورد توجه قرار می‌گیرد. قسمتی دیگر به ساختمان‌های عمومی، اداری، پارک‌ها و مراکز تفریحی می‌پردازد که مناسب‌سازی نشده‌اند. قسمتی هم به حمل و نقل عمومی و وضعیت مناسب‌سازی اتوبوس‌ها، مترو و ایستگاه‌های مترو که اغلب فاقد آسانسور و رمپ هستند می‌پردازد. در هر قسمت از افراد دارای معلولیت کمک می‌گیریم که می‌گویند

عده‌ای معتقدند مناسب‌سازی باعث لطمه به زیباسازی شهر می‌شود، عده دیگری عقیده دارند مناسب‌سازی هزینه‌گرافی دارد و شدنی نیست و عده‌ای هم معتقدند که وجود این دو در کنار هم الزامی و حیاتی است

در فضاهای مختلف با چه معضلاتی روبه‌رو هستند.

مهدی‌زاده: اولین باری که به اروپا رفتم برایم جالب بود که چقدر در این شهرها افراد دارای معلولیت وجود دارند. دقت که کردم متوجه شدم که در کشور ما نیز این افراد زیاد هستند اما به دلیل عدم مناسب‌سازی به ندرت وارد جامعه می‌شوند. ولی چون در این کشورها فضای مناسبی برای حضور این افراد وجود دارد آنها خیلی راحت و به‌تنهایی در شهر رفت و آمد می‌کنند و مانند بقیه به کار و زندگی مشغولند. در صورتی که در ایران بسیاری از عزیزان منزوی و خانه نشین هستند. اگر مراکزی مثل رعد نباشند که این افراد به امید از خانه‌ها بیرون بیایند و فعالیتی انجام دهند اغلب آنها در خانه محبوس می‌شوند. در این پروژه با معاونین و مدیران شهرداری که در معاونت شهرسازی و یا معاونت‌های عمرانی فعالیت می‌کنند و یا ناظرین بر ساختمان‌سازی هستند هم صحبت کنیم.

در طول مدتی که درگیر این پروژه هستیم خیلی بیشتر به ساختمان‌ها و مناسب‌سازی آنها دقت می‌کنیم و می‌بینیم که از صدخانه‌ای که به تازگی ساخته شده است تنها یکی دو خانه مناسب‌سازی شده‌اند و یا رمپ و بالابر برای آن تعبیه شده است. صارمی: در قوانین مربوط به ساختمان‌سازی این مساله دیده شده است که ساختمان‌های جدید چه مسکونی، چه اداری و چه عمومی باید دارای رمپ یا بالابر یا آسانسور مناسب برای معلولان باشند ولی متأسفانه نظارتی بر این کار وجود ندارد و اکثر ساختمان‌ها این قانون را رعایت نمی‌کنند. مهدی‌زاده: خوشبختانه مدیران شبکه

مستند به بحث مناسب‌سازی توجه زیادی داشته و مایل به کار در این حوزه هستند و ای کاش مدیران شبکه‌های دیگر سیما نیز گام‌هایی موثر در این زمینه بردارند.

لازم است که صداوسیما، روزنامه‌ها و مجلات بخشی را به آموزش و فرهنگ‌سازی مردم در زمینه مناسب‌سازی اختصاص دهند. من به شخصه قبل از اینکه وارد این پروژه شوم، با مفهوم مناسب‌سازی آشنا نبودم. حالا هم که با دوستان و آشنایان صحبت می‌کنم می‌بینم که آنها نیز از این واژه اطلاع درستی ندارند و خیلی از آنان از فلسفه وجودی موزاییک‌های پولکی که در پیاده‌روها برای محل عبور نابینایان و کم‌بینایان کار شده، بی‌اطلاع هستند و حتی اعتراض می‌کنند که راه رفتن روی این موزاییک‌ها باعث درد و ناراحتی در کف پاهایشان می‌شود! این‌ها همه نیاز به آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی دارد. آقای آفریده (قائم مقام شبکه مستند) از کسانی هستند که در این حوزه و پروژه با ما همکاری شایسته‌ای داشته و راه‌های ورود به این پروژه را برای ما هموار کردند. ایشان بارها با ما تماس گرفته و کارشناسان و افراد دارای معلولیت متخصص در این حوزه را جهت پیشبرد کار به ما معرفی کرده‌اند. ایشان قبلاً دبیر جشنواره آوا بوده‌اند و شناخت کافی از این مسائل دارند. با همسر یک جانباز شیمیایی صحبت می‌کردیم، این خانم می‌گفت: خانه‌ای از طرف بنیاد امور جانبازان در اختیارشان قرار داده شده‌است که مناسب‌سازی نشده و آنها هم حق فروش و اجاره این خانه را ندارند. همسر این جانباز مجبور است هر روز یک کیسول بزرگ اکسیژن را به طبقه بالا از طریق راه پله حمل کند! این فرد گرچه خودش معلولیتی ندارد ولی عملاً با عدم مناسب‌سازی ساختمان درگیر است و شاید به‌زودی خودش هم معلول شود! در یکی از قسمت‌های این مجموعه با یکی از نابینایان مرکز رعدالغدیر در پیاده‌رو همراه شده و از حرکت او بر روی موزاییک‌های پولکی شکل فیلمبرداری کردیم. این فرد در این مسیر با یک درخت و کمی جلوتر هم با جعبه‌های میوه‌ای که مغازه روی این موزاییک‌ها قرار داده بود، برخورد کرد. این‌ها همه به دلیل عدم آگاهی مردم است. من مطمئن هستم اگر صاحب این مغازه بداند که با این کار چه لطمه‌ای به یک سری از افراد می‌زند این کار را نمی‌کند. چون ما ایرانی‌ها انسان دوست هستیم. رسانه‌ها نقش اساسی در آگاه‌سازی

جامعه را بر عهده دارند و باید به این وظیفه به خوبی عمل نمایند. با ساخت یک برنامه سیزده قسمتی در مورد مناسب سازی شاید اتفاق بزرگی نیفتد ولی رسانه‌ها باید به صورت مداوم این مساله را دنبال کرده و در همه شبکه‌ها برنامه‌های مختلفی در قالب: گزارشی، خبر، داستان، میان برنامه، کلیپ‌های آموزشی و انیمیشن‌های جذاب تهیه و پخش شود تا این موضوع در جامعه نهادینه شود.

این کار اکنون در چه مرحله‌ای است؟ فکر می‌کنید چه زمانی تمام می‌شود و به نمایش در می‌آید؟

مهدی‌زاده: در مجموع حدود سی درصد از کار انجام شده است. از چند روز آینده به کرمانشاه و بعد از آن به لرستان و سایر مراکز استان‌ها که در زمینه مناسب سازی نسبت به سایر استان‌ها بهتر عمل کرده‌اند، می‌رویم. یک ماه آینده در مراکز استان‌ها هستیم و بعد که برگشتیم بخش تهران را انجام می‌دهیم. در بخش خارجی هم بیست تا سی درصد از کار هنوز باقی مانده است. امیدواریم که بتوانیم تا آخر مرداد کار را تحویل شبکه مستند بدهیم.

میلیاردها تومان هزینه صرف زیرگذر چهارراه ولی عصر شده است ولی متاسفانه برای عبور و مرور افراد دارای معلولیت به صورت عملی و کاربردی مناسب سازی نشده است! قرار است پروژه مشابهی نیز در میدان هفت‌تیر اجرا شود و چنانچه آگاه‌سازی و فرهنگ سازی مناسب صورت نگیرد، احتمالاً

در این پروژه نیز همین معضلات را خواهیم داشت. اگر رسانه‌ها وظیفه اطلاع‌رسانی بر روی مدیران، مهندسان و پیمانکاران را به خوبی انجام ندهند، شاید در زیرگذر هفت تیر این اتفاق تکرار شود.

صارمی: متاسفانه نظارتی بر انجام کار وجود ندارد و وقتی که مدیری در شهرداری یا بهزیستی عوض می‌شود مدت‌ها طول می‌کشد تا مدیر جدید با مقوله مناسب سازی و ضرورت آن آشنا شود. بهترین کار این است که فرهنگ سازی شود. اگر قرار است موضوعی در جامعه جا بیفتد، بهترین ابزار رسانه است که می‌تواند کمک‌کننده باشد. البته در دانشگاه‌ها و در رشته‌های معماری و شهرسازی دروسی در زمینه مناسب سازی مبلغان شهری تدریس می‌شود، ولی متاسفانه در کشور ما این پروژه‌ها به پیمانکاران و افراد متخصص واگذار نمی‌شود. امکان ندارد یک فرد متخصص مسوول پروژه‌های مثل زیرگذر چهارراه ولیعصر باشد ولی مناسب سازی برای رفت و آمد افراد دارای معلولیت در آن در نظر گرفته نشده باشد.

آیا برای این مجموعه سیزده قسمتی کار پژوهشی انجام داده‌اید؟

صارمی: بله ما حدود شش ماه مقاله‌های مختلف داخلی و خارجی را مطالعه کردیم. کتاب‌هایی هم از سازمان بهزیستی و کارشناسان آن گرفتیم و مطالعه کردیم. کار مستند اگر پشتوانه پژوهشی نداشته باشد، اصلاً به درد نمی‌خورد. مهدی‌زاده: یک سری از کارشناسان

بهزیستی به ما معرفی شدند و آنها مقالات و اطلاعات خود را در این حوزه در اختیار ما قرار دادند. حتی از نگاه خود افراد دارای معلولیت به مساله نگاه کردیم و مقالات و نکاتی که این افراد به آن اشاره داشتند و فیلم‌هایی که خود آنها در این زمینه ساخته‌اند را دیدیم تا بدانیم در ذهن یک فرد دارای معلولیت چه نکاتی نسبت به مساله وجود دارد.

شما برای ساخت این مجموعه با کدام یک از ارگان‌ها و سازمان‌ها در ارتباط هستید؟

با شورای شهر، وزارت کشور، سازمان بهزیستی و شهرداری تماس گرفتیم و درخواست کردیم که کارشناسان و مدیران صاحب‌نظر در این حوزه را به ما معرفی کنند.

آیا با سمن‌هایی که در حوزه مناسب سازی کار کرده‌اند هم ارتباط گرفتید؟

مهدی‌زاده: سمن‌هایی به ما معرفی شدند و با آنها نشست‌هایی داشتیم و در تمام این جلسات از آنها راهکار خواستیم و نظرخواهی کردیم، ولی متاسفانه انتظاری که از بعضی از این مراکز داشتیم برآورده نشد. شاید به دلیل مشکلاتی است که خود این مراکز با آن درگیر هستند. البته بعضی از مراکز هم همکاری خوبی با ما داشتند. ما با انجمن ندای معلولان صحبت کردیم و آقای کاری از این پروژه استقبال کردند و پیشنهادهایی را مطرح کردند. همچنین با آقای کاظمی دبیر ستاد مناسب سازی بهزیستی و کارشناسان این ستاد ارتباط کاری نزدیک داریم. دبیرخانه ستاد مناسب سازی بهزیستی دو



سال است که تشکیل شده و مناسب‌سازی در مراکز استان‌ها زیر نظر این ستاد صورت می‌گیرد. با آقای مهندس برجیان در دفتر آقای کاظمی آشنا شدیم و قرار است با ایشان نشست‌های مختلفی داشته باشیم. ایشان در حوزه مناسب‌سازی کتاب هم نوشته‌اند و ما در آینده با ایشان زیاد کار داریم. ایشان به عنوان یکی از مشاوران طرح با ما همکاری خواهند داشت. یکی از مراکزی که با تمام وجود با ما همکاری می‌کند رعدالغدیر است که واقعا کار با این مرکز برای ما لذت بخش است.

صارمی: برخی از مراکز بهزیستی استان‌ها همکاری بسیار خوبی با ما داشتند، ما طرح‌ها را می‌نوشتیم و به مشاوران و کارشناسان استان‌ها می‌دادیم و آنها نظرات کارشناسی خود را در مورد پروژه در اختیار ما قرار می‌دادند. مثلا استان لرستان در این زمینه خیلی به ما کمک کرد. ما با کارشناسان مراکز استان‌ها بده، بستان تحقیقاتی و پژوهشی داشتیم.

مهدی‌زاده: جا دارد که از آقایان دکتر پورحسین، حمید ابراهیمی، تاجیک و آفریده که در این پروژه کمک شایانی نمودند، تشکر و قدردانی کنیم. امیدواریم که سایر مدیران سازمان صداوسیما نیز این نگرش را داشته باشند.

برنامه آینده شما چیست؟ آیا تمایل به ادامه کار در حوزه معلولان را دارید؟
مهدی‌زاده: من قبلا در اداره کل هنرهای

**میلباردها تومان هزینه صرف زیرگذر
چهارراه ولی عصر شده است ولی
متأسفانه برای عبور و مرور افراد دارای
معلولیت به صورت عملی و کاربردی
مناسب‌سازی نشده است!**

موسسات برای پدر و مادرها برگزار می‌شود. ولی جایی مثل جشنواره تئاتر برای اینکه این افراد هنر خود را به نمایش بگذارند، وجود ندارد. خیلی خوب بود که حداقل در چهار گوشه تهران بزرگ یک سالن در فرهنگسراها مناسب‌سازی و به تئاتر معلولان اختصاص می‌یافت، چون به هر حال تئاتر هم یک نوع رسانه است که می‌تواند تاثیرگذار باشد. امیدوارم که در آینده بتوانیم تلاش خود را برای برگزاری مجدد جشنواره تئاتر معلولان با همکاری سمن‌ها به نتیجه برسانیم. در واقع کار در حوزه معلولان دغدغه ما شده است.

سخن آخر:

مهدی‌زاده: دوستان توانیاب باید خودشان هم تلاش کنند و از انزوا خارج شده و وارد عرصه فعالیت‌های اجتماعی شوند. ما افراد بسیاری را دیده‌ایم که با وجود معلولیت‌های شدید جسمی، توانایی‌های منحصر به فردی داشته و توانسته‌اند تاثیر مثبت در جامعه و اطرافیان خود بگذارند. من اطمینان دارم که دوستان دارای معلولیت از استعدادهای خوبی برخوردارند که باید از آن استفاده کنند.

صارمی: در نهایت می‌خواهم بگویم تلاش همه ما بر این است که حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت چه از طرف قانون‌گذاران و مجریان، چه از طرف رسانه‌ها و شهروندان رعایت شود و امیدواریم که در آینده نزدیک به این مطلوب برسیم.

نمایشی کار می‌کردم، در آن زمان جشنواره تئاتر معلولان را داشتیم که با مشارکت سازمان بهزیستی و اداره کل هنرهای نمایشی برگزار می‌شد من در ستاد این جشنواره مشغول بودم که متأسفانه این جشنواره به دلیل مشکلات بودجه‌ای و عدم برنامه‌ریزی تعطیل شد. چندسال پیش به فکر افتادم که با کمک گرفتن از مراکز مختلف، مانند گرفتن سالن از تئاتر شهر این جشنواره را دوباره برپا کنم. همان‌طور که می‌دانید جشنواره تئاتر معلولان در جاهای مختلف دنیا برگزار می‌شود و خیلی خوب است که در ایران هم این جشنواره را داشته باشیم. الان هم برخی همکارانم در بعضی مراکز با بچه‌های دارای معلولیت، تئاتر کار می‌کنند. ولی این تئاترها در مراسم خود این مراکز و

معرفی پایگاه اینترنتی معلولان ایران

شمعدانی

لازم به ذکر است وب سایت شمعدانی در سال ۱۳۹۱ با حمایت فدراسیون جانبازان و معلولان جمهوری اسلامی ایران و گروهی از دوستان دارای معلولیت بخش ورزشی معلولان را همزمان با مسابقات پارالمپیک ۲۰۱۲ راه اندازی شد و با هماهنگی‌های به عمل آمده آخرین اخبار مسابقات به همراه عکس مستقیماً از دهکده پارالمپیک در لندن دریافت و به صورت آنلاین بر روی خروجی وب سایت قرار می‌گرفت.

در حال حاضر زندگینامه استاد جهانبخش صادقی، هلن کلر، استفان هاوکینگ، استاد باغچه بان و... در سایت در دسترس علاقمندان هست. این پایگاه با ایجاد بخش پرسش و پاسخ به سئوالات افراد دارای معلولیت از سراسر کشور پاسخ داده و با راهنمایی لازم به این عزیزان نسبت به ارائه رهنمود در رفع مشکلات افراد دارای معلولیت تلاش می‌کند. در این بخش در صورت نیاز از راهنمایی‌های اساتید و مشاوران و رهنمودهای مددکاران اجتماعی استفاده می‌شود.

همچنین ارتقا سطح آگاهی‌های افراد دارای معلولیت نسبت به حقوق خود نیز از اهداف مهم پایگاه است. در این رابطه آخرین اطلاعات و اخبار از قوانین دولتی به اطلاع اعضای می‌رسد. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به همراه آیین‌نامه‌های اجرایی و متن کامل کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولان و قوانین استاندارد سازی ویژه معلولان در سایت شمعدانی در دسترس عموم قرار دارد.

در پایان لازم به ذکر است که: شمعدانی به یک درد مشترک می‌پردازد. درد قریب به بیست میلیون شهروند ایرانی یعنی "معلولیت"؛ شهروندانی که با واقعیت‌های معلولیت دست به گریبانند؛ حال یا خود عضوی دچار معلولیت دارند یا یکی و شاید دو یا سه یا... نفر از اعضای خانواده‌شان معلولیت دارند یا عضو تیم بزرگ و دلسوز توانبخشی ایران می‌باشند.

پایگاه اینترنتی معلولان ایران "شمعدانی" فعالیت خود را از سال ۱۳۸۳ با هدف اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به افراد دارای معلولیت، سالمندان و جانبازان کشور عزیزمان ایران و ایجاد خودباوری و افزایش اعتماد به نفس در وجود معلولان، توسط محمدرضا دشتی و مینا اروانه از فعالان مدنی حوزه معلولان راه اندازی شده است.

وب سایت شمعدانی با پوشش به موقع مهمترین وقایع مربوط به حوزه معلولیت، توانبخشی، مسائل فرهنگی و اجتماعی، اخبار ورزشی، پیشرفت‌های پزشکی، پیشگیری از معلولیت و حقوق شهروندی معلولان، نقش مؤثری در اطلاع‌رسانی و جریان‌سازی خبری در جامعه داشته است به گونه‌ای که آرشبو شمعدانی گویای تحولات سال‌های اخیر مربوط به معلولان در ایران و جهان است.

همچنین انتشار آخرین رویدادها و اخبار سازمان بهزیستی و انجمن‌های معلولان، موفقیت‌ها و دستاوردهای علمی، فرهنگی، پژوهشی و ورزشی مرتبط با معلولان در سطح ملی و بین‌المللی، معرفی افراد دارای معلولیت موفق، اعلام آخرین مصوبات دولت و خدمات قابل ارائه به گروه هدف از بخش‌های مهم این پایگاه اینترنتی می‌باشد.

وب‌سایت شمعدانی با ۱۰ سال سابقه فعالیت و بیش از ۵ هزار عضو با اقبال خاص مخاطبان، زیرساخت‌های لازم را به لحاظ میزبانی وب، رتبه مناسب، در قیاس با وب سایت‌های مشابه و مرجع در حوزه افراد دارای معلولیت داراست. در حال حاضر قریب ۷۵۰۰ عنوان خبر، مقاله، گزارش، مصاحبه و... در این پایگاه قرار گرفته است و رتبه آن در رتبه‌بندی گوگل ۴ می‌باشد و در روزهای اخیر از مرز ۸ میلیون بازدید نیز عبور کرده است.

مخاطبان این وب سایت را افراد دارای معلولیت، خانواده‌های ایشان، کارشناسان حوزه توانبخشی، اساتید دانشگاهی و تمام علاقمندان معلولان تشکیل می‌دهند.



احمد ارجمندی، متولد سال ۱۳۶۲ است. او با وجود معلولیت شدید، کارگردان تئاتر است و بسیار هم پرکار است. احمد کار تئاتر و بازیگری را از دوران نوجوانی و با پدر خود، که او نیز کارگردان تئاتر و زمانی هم قائم مقام حوزه هنری و دبیر جشنواره موسیقی بوده شروع کرده است. خودش می‌گوید: علاقه من به تئاتر و بازیگری شاید تا حدود زیادی به خاطر کار و حرفه پدرم بوده است. با این هنرمند خلاق در سالن محراب، وابسته به حوزه هنری در باره فعالیت‌های هنری او گفت‌وگو کردیم. در این گفت‌وگو خواهر احمد، محبوبه، که خودش هم هنرمند است و با او همکاری هم می‌کند و پدر هنرمندش حضور داشتند واز او گفتند.

هدف من شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی است

احمد ارجمندی کارگردان

بروم، ولی چون این دانشگاه رشته فیلم‌سازی که من به آن علاقه داشتم را نداشت، مخالفت کردم. الان دانشجوی رشته فیلم‌سازی در دانشگاه علمی کاربردی هستم.

با توجه به شرایط جسمانی که دارید آیا به راحتی توانستید در حوزه کار هنری و کارگردانی وارد شوید؟ آیا دیگران شما را پذیرفتند و توانستید با دیگران ارتباط برقرار کنید؟

خیلی برایم سخت بود. به طوری که وقتی می‌رفتم به سازمان‌های مختلف تا مجوز بگیرم به جای این‌که من را به داخل ساختمان راه بدهند، همان دم درپولی کف دستم می‌گذاشتند و می‌گفتند برو! کسی باور نمی‌کرد که من بخواهم فیلم بسازم. اولین فیلمی را هم که ساختم یک فیلم کوتاه سه دقیقه‌ای از زندگی خودم بود که با پول خودم آن را ساختم. این فیلم در جشنواره خارجی مقام آورد ولی در ایران

تاسوعا بود که ویلچرم شکست و پدرم به من گفت اگر می‌خواهی به هیات بروی باید با پای خودت بروی! من نمی‌خواستم هیات را از دست بدهم. با کمک خدا و با زحمت زیاد و با پای خودم به هیات رفتم. و از آن به بعد دیگر راه می‌روم. من این خاطره را به صورت یک فیلمنامه تهیه کرده‌ام که قرار است آن را بسازم. جالب این است که درجه معلولیتم در کارت بهزیستی، ۹۵ درصد ذکر شده است در حالی که من خودم را معلول نمی‌دانم!

از کودکی در چه مدارسی و حالا در چه مقطعی درس می‌خوانید؟

من از اول دبستان تا کنون که دانشجوی هستم را در مدارس عادی درس خوانده‌ام. همیشه به حوزه‌های هنری علاقمند بودم و بعد از گرفتن دیپلم کامپیوتر به من پیشنهاد کردند که برای ادامه تحصیل به دانشگاه رعد که یک دانشگاه مناسب‌سازی شده است

نشریه توان یاب: از جناب آقای ابراهیم گله‌داری، مدیریت محترم سالن محراب و سرکار خانم اقدم که امکان این گفت‌وگو را در محل سالن برای ما ایجاد کردند، سپاسگزاریم.

آقای ارجمندی، ما به عنوان کسی که معلولیت دارد و خیلی موفق است می‌خواهیم با شما گفت‌وگو کنیم. مشکل جسمی شما چیست و از چه زمانی به آن مبتلا شدید؟

تا یک سالگی من شرایط عادی داشتم. ولی در یک سالگی در اثر بیماری دچار تب و تشنج شدم و بعد از آن تا دو سالگی نتوانستم بنشینم و راه بروم. به طوری که تا پانزده سالگی یعنی کلاس اول دبیرستان بر روی ویلچر می‌نشستم. در سن پانزده سالگی اتفاقی افتاد که باعث شد من از روی ویلچر بلند شوم و روی پای خودم راه بروم. قضیه از این قرار بود که من نذر داشتم که هر سال برای شرکت در هیات امام حسین (ع) حضور داشته باشم. در شب



شماره اول تابستان ۱۳۹۴

دیده نشد. وقتی من مقام بین‌المللی آوردم به عنوان اولین کارگردان معلول جهان شناخته شدم. بعد بلافاصله فیلمی در مورد امام حسین(ع) ساختم که در ایران مورد توجه قرار گرفت.

تا حالا چند فیلم و تاتر ساخته‌اید؟

من تاکنون دوازده فیلم کوتاه و دو تله فیلم ساختم و ۲۳ کار تاتر هم داشتم. من برعکس هنرمندان دیگر راحت با مردم ارتباط برقرار می‌کنم. دوست دارم فیلم‌هایی بسازم که واقعی باشند چون ما معمولا واقعیت‌ها را به تصویر نمی‌کشیم. من به فیلم داستانی هم علاقمندم ولی در فیلم‌هایم سعی می‌کنم واقعیت را بگویم. به نظر من مردم فیلم‌های واقعی را راحت‌تر می‌پذیرند تا این که یک موضوع ساختگی را بسازیم و به زور به خورد مردم بدهیم.

آیا شما در مورد افراد دارای معلولیت هم فیلم ساخته‌اید و از آن‌ها کارهای خود استفاده می‌کنید؟

من در مورد معلولان فیلم نامه نوشتم ولی واقعیت این است که با معلولان کار نکرده‌ام چون از وقتی که چشم باز کرده‌ام همه در اطرافم غیرمعلول بوده‌اند و من خودم هم مدعی هستم که معلول نیستم! من در دوران بچگی همیشه با بچه‌های کوچک فوتبال بازی می‌کردم و همیشه هم دروازه‌بان بودم. هیچ وقت هم نخواستام که به عنوان معلول مطرح شوم و به همین دلیل فکر می‌کنم شاید نتوانم افراد دارای معلولیت را خوب درک کنم. از طرفی، نمی‌خواهم خودم را به کار در یک حوزه خاص محدود کنم. من در فیلم‌هایم می‌خواهم بگویم که افراد تندرست و بدون معلولیت هم می‌توانند با مشکلات زیادی روبه‌رو باشند. الآن جوان‌های معتاد و بی‌کار زیادی در جامعه وجود دارند که پرداختن به آنها خیلی مهم است.

محبوبه: تئاتر را در دست کار داریم که قرار است در خانه هنرمندان به اجرا درآید. فیلمنامه این نمایش از مرحوم حسین پناهی است ولی یک اپیزود را خود احمد به آن اضافه کرده است. در این اپیزود احمد خودش نقش یک فرد معلول را بازی می‌کند و بازیگر مقابلش هم یک نابینا است. این تئاتر

جالب این است که درجه معلولیتم در کارت بهزیستی، ۹۵ درصد ذکر شده است در حالی که من خودم را معلول نمی‌دانم!

نشان می‌دهد که این دو فرد با وجود معلولیت می‌توانند در کنار یکدیگر به خوبی زندگی کنند و خوشبخت باشند. در حالی که در اپیزود دیگر زوجی را نشان می‌دهد که با وجود سلامت جسمی، زندگی خوبی ندارند. چون مرد معتاد است و زن خودش را وقف او کرده است.

احمد: من شخصا مخالف ازدواج دو فرد معلول با هم هستم ولی در این فیلم می‌خواهم به تماشاچی بگویم که دو فرد دارای معلولیت هم می‌توانند از افراد غیرمعلول خوشبخت‌تر باشند.

البته افراد دارای معلولیت زیادی با هم ازدواج کرده‌اند و خوشبخت هم هستند ولی مشکلات خودشان را دارند. من در حال نگارش فیلمنامه‌ای در مورد ازدواج معلولان برای جشنواره فیلم فجر سال آینده هستم. البته هدف من شرکت در جشنواره‌های بین‌المللی است. حرفی که در این فیلم می‌خواهم بزنم محدود به ایران نیست، برای تمام دنیا است.

فکر می‌کنید فعالیت‌های شما چه اندازه در فرهنگ‌سازی مردم و تغییر نگاه آنان به افراد دارای معلولیت تاثیرگذار است؟

هدف من در کار نمایش و فیلم، فرهنگ‌سازی هم برای افراد دارای معلولیت و هم برای افراد بدون معلولیت است و در این مسیر احتیاج به کمک مسوولان دارم. در نظر دارم برای ماه محرم فیلمی در مورد زندگی خودم بسازم و در این مورد با مدیر شبکه یک، صحبت کرده‌ام. متأسفانه اکثر فیلم‌هایی که در مورد معلولان ساخته می‌شود آنها را افرادی ناتوان و

نیازمند کمک دیگران نشان می‌دهد. خصوصا در مورد معلولان ذهنی این مساله خیلی دیده می‌شود. چون من برادری دارم که مبتلا به سندورم داون است. من حاضرم یک دوربین در دست بگیرم و دنبال برادرم در خیابان راه بیافتم تا ببینید که مردم چقدر با عاطفه هستند. بندرت بعضی بچه‌های کم سن و سال ممکن است رفتار نامناسبی داشته باشند، اما عموم مردم از رشد فکری بالایی برخوردار هستند. من برای رفت و آمد از مترو استفاده می‌کنم و یک بار خانمی یک اسکناس پنج هزار تومانی در مترو به من داد چون فکر می‌کرد من گدا هستم. این اتفاقات بندرت می‌افتد و بیشتر افراد قدیمی‌تر و مسن‌تر ممکن است این‌گونه فکر کنند ولی عموم مردم افرادی روشنفکر هستند و رفتار مناسبی دارند.

محبوبه: شاید این رفتارها به این دلیل است که بعضی از افراد سودجو از کودکان و افراد معلول برای گدایی و یا به عنوان فروشنده در مترو استفاده می‌کنند و این دیدگاه در مردم به وجود آمده است که هر فرد معلولی ممکن است گدا باشد. به نظر من به دلیل استفاده ابزاری یک عده افراد سودجو این نگرش در مردم به وجود آمده است.

آیا افراد دارای معلولیت از فیلم‌ها و نمایش‌های شما استقبال می‌کنند؟

بله. دوستان علاقمند به دیدن این کارها هستند ولی در تهران فقط دو تماشاخانه وجود دارد که تا حدودی برای حضور معلولان تسهیلاتی ایجاد کرده است، یکی همین تالار محراب است و یکی هم تالار وحدت. البته خانه هنرمندان نیز قدم‌هایی در این راه برداشته است ولی چقدر خوب می‌شد که سازمان بهزیستی و مسوولان حوزه هنری و سازمان‌های مربوطه نیز در جهت مناسب‌سازی تالارهای نمایش و تماشاخانه‌ها اقدام کنند. در سال ۸۴-۸۳ من نمایشی در تالار وحدت داشتم و نصف تماشاگران این نمایش افراد معلول بودند ولی چون نمایش در طبقه بالا اجرا می‌شد و رمپ برای رفت و آمد آنان وجود نداشت، نتوانستند در این مراسم شرکت کنند! اتفاقا من در این مورد مصاحبه‌ای هم



ساعت اجرا شود. این اجرا به پیشنهاد خود تماشاخانه مشایخی اجرا می‌شود که در حال تدوین نمایشنامه آن هستیم. کار دیگرمان به نام شاهزاده ایرانی است که در تالار وحدت به نمایش درخواهد آمد. این کار نوشته خود من است و با شعرهای مهدی اخوان ثالث و در سبک پست مدرن اجرا خواهد شد. البته هنوز نیاز به تمرین و کار بیشتری دارد. قبل از این کار، تله‌ای به نام "از عشق تا انتها" برای شبکه پنج آماده کرده‌ایم که احتمالاً به‌زودی استارت آن می‌خورد. بعد از آن تله‌ای هم برای محرم داریم که در حال کار بر روی آن هستیم. علاوه بر این‌ها برای جشنواره فجر سال ۹۴، هم تاتر و هم فیلم در برنامه داریم. اگر این برنامه‌ها اجرا شود من اولین کارگردانی هستیم که هم در حوزه تاتر و هم در حوزه فیلم کار کرده است. بنابراین سال پرکاری را در پیش‌رو داریم و امیدواریم که بتوانیم سربلند از آن بیرون بیاییم.

آیا شما این فعالیت‌ها را با یک تیم یا گروه خاصی انجام می‌دهید و در این گروه از افراد دارای معلولیت علاقمند به بازیگری هم استفاده می‌کنید؟

در تهران فقط دو تماشاخانه وجود دارد که تا حدودی برای حضور معلولان تسهیلاتی ایجاد کرده است، یکی همین تالار محراب است و یکی هم تالار وحدت

تماشاخانه استاد فنی‌زاده اجرا شد و مخاطب بسیار خوبی داشت، به‌طوری که مردم روی زمین نشسته بودند. این کار برای جشنواره فجر هم انتخاب شد ولی در دقیقه نود آن را حذف کردند به این دلیل که نوشته حسین پناهی بود.

به هر حال این نزدیک‌ترین کاری است که در پیش داریم. این کار بازبینی شده و قرار است به‌زودی اجرا شود. کار بعدی ما کاری است که قرار است در تماشاخانه مشایخی و به مدت یک

انجام دادم. آقای ابراهیم گله‌دارزاده مدیر تالار محراب: ما مخاطب معلول زیاد داریم. سال گذشته جشنواره معلولان در تالار محراب برگزار شد و تعداد زیادی از دوستان دارای معلولیت هم در این برنامه شرکت کردند. افرادی بودند که روی ویلچر بودند و یا شرایطی داشتند که نمی‌توانستند از پله‌ها استفاده کنند. این افراد را با کمک دیگران و به سختی به سالن انتقال دادیم تا بتوانستند در مراسم حضور داشته باشند. من بارها از مسوولان درخواست کرده‌ام که بودجه‌ای برای مناسب‌سازی تالار محراب در اختیار ما قرار دهند و یا این وظیفه را برعهده بگیرند که ما بتوانیم یک رمپ استاندارد و یا بالابر برای مراجعین دارای معلولیت ایجاد کنیم، چون متأسفانه بودجه تالار کفاف این هزینه‌ها را نمی‌دهد و نیاز به توجه مسوولان دارد.

آقای ارجمندی، چه کارهایی در دست اجرا دارید؟

کاری دارم به نام سه حلقه میخک که یک اجرای افتخاری برای خانه هنرمندان است. این کار قبلاً هم در



بله، ما گروه مشخصی داریم. البته تعدادی از این افراد به صورت دائم در نمایش‌ها حضور دارند و بعضی‌ها هم به صورت موقت و برحسب نیاز به کار گرفته می‌شوند. در این گروه تاکنون از افراد دارای معلولیت استفاده نکرده‌ایم. البته من جلسه‌ای با آقای کیانوش عیاری داشتیم و ایشان به مرکز رعد پیشنهاد داده بودند که من در این مرکز به توانیابان آموزش بازیگری و فیلمسازی بدهم، چون ایشان از نزدیک کار مرا دیده بودند و من هم از این برنامه استقبال کردم و قبول کردم که به رایگان این کار را انجام بدهم. هدفم این بود که از بین بچه‌های مرکز رعد استعدادیابی کنم، ولی این اتفاق نیفتاد و به نتیجه نرسید. اتفاقاً یکی از دوستان من فیلمی به نام "یکی مثل من" ساخت که یکی از دختران مرکز رعد در آن در نقش مقابل منبازی کرد. داستان آن عشق و علاقه بین دو فرد دارای معلولیت بود که آخر هم به دلیل مخالفت خانواده‌ها به هم نرسیدند. همین‌طور که در دنیای واقعی هم من دو فرد دارای معلولیت را می‌شناسم که علاقه دارند با یکدیگر ازدواج کنند ولی خانواده‌ها با آنها مخالف هستند، من وارد حوزه تئاتر و فیلم شدم که به مردم بفهمانم که این افراد می‌توانند زندگی خوبی با هم داشته باشند. من به خاطر علاقه به بازیگری حرفه کارگردانی را انتخاب کردم، چون یک بازیگر باید بنشیند تا آیا کاری به او پیشنهاد بشود یا نشود یا نقشی برایش نوشته شود یا نشود. ولی اکنون من به عنوان یک کارگردان هم نمایشنامه را خودم می‌نویسم و هم خودم می‌توانم بازی کنم. من یک تله فیلم ساختم که ۵۰ نفر عوامل داشت و هر کدام از این افراد یک خانواده داشتند، در واقع ۵۰ خانواده از این راه نان می‌خوردند. من به مسوولان هم گفته‌ام که به جای این‌که پول بدهید افراد غیرمعلول برای شما فیلم بسازند، این پول را هزینه آموزش دادن به افراد دارای معلولیت کنید. چه عیبی دارد که ما از بین افراد دارای معلولیت فیلمساز، عکاس یا فیلمنامه‌نویس یا بازیگر داشته باشیم؟

محبوبه: احمد از آن شخصیت‌هایی است که با وجود معلولیت جسمی،

وقتی به سازمان‌های مختلف می‌رفتم تا مجوز بگیرم، به جای این‌که من را به داخل ساختمان راه بدهند، همان دم درپولی کف دستم می‌گذاشتند و می‌گفتند برو!

ذهن بسیار باز و خلاق دارد. افراد بسیاری هستند که از چنین استعدادهایی برخوردارند و چنانچه این افراد شناسایی و آموزش داده شوند، بهتر از افراد غیرمعلول می‌توانند کار کنند.

احمد: در کشورهایی مانند آمریکا وقتی فردی اختراع کوچکی می‌کند، چقدر از او تقدیر می‌شود و مورد حمایت قرار می‌گیرد ولی افرادی مثل من که در کارهای هنری فعالیت می‌کنند، هیچ‌گونه حمایت دریافت نمی‌کنند.

چه صحبتی با دوستان دارای معلولیت دارید؟ سخن آخر شما چیست؟

من به دوستان دارای معلولیت می‌گویم که نترسید و از خانه‌ها بیرون بیایید من به تنهایی نمی‌توانم کاری کنم ولی اگر همه ما با هم باشیم می‌توانیم انقلابی برای خودمان به وجود بیاوریم. روی صحبت من با افرادی است که در خانه‌ها نشسته‌اند و ناامید و منتظر مرگشان هستند. من از مسوولان می‌خواهم هر وقت که نمایش یا تئاتری دارم این بچه‌ها را برای دیدن این کارها بیاورند تا ببینند که در تمام کارهای من امید وجود دارد. شاید با دیدن من و با دیدن شرایط جسمانیم و این‌که چقدر کار می‌کنم، در این افراد انگیزه حرکت به وجود آید. من معلولی را می‌شناسم که آن‌قدر در خانه ماند که دچار افسردگی شد و فوت کرد. چرا باید این طوری باشد؟ افراد دارای معلولیت باید بیرون بیایند و در جامعه حضور یابند.

آقای ارجمندی، به نظر می‌رسد که شما نقش مهمی در ایجاد بستر مناسب برای فعالیت احمد ایجاد کرده‌اید؟

من محمد ارجمندی پدر احمد هستم. معلم بازنشسته هستم و اکنون به کار آزاد مشغولم.

من تلاش خودم را کرده‌ام ولی آنچه که واقعاً موثر بوده است ابتدا لطف و کمک خداوند و بعد کوشش خود احمد بوده است. به نظر من هیچ‌کس در دنیا به اندازه احمد اراده و تلاش انجام کار نداشته است. احمد بچه بااراده و بسیار فعالی است و اگر ما مقداری او را کنترل نکنیم تعدد فعالیت‌هایش تبدیل به بی‌برنامگی می‌شود. البته این انرژی و تلاش شاید به صورت ارثی به او رسیده باشد. من نیز زمانی تئاتر کار می‌کردم و مدرک مدرس تئاتر از دانشگاه تهران را دارم. زمانی بود که من هشت گروه‌ها به طور موازی در روز هدایت می‌کردم. بنابراین علاقمندی و تلاش ایشان به کار تئاتر و نمایش تا حدودی ارثی است. البته من با کار کردن ایشان در حوزه هنر و تئاتر مخالف بودم چون عقیده دارم عالم هنر مانند عالم ورزش عالم نامردی است. در جامعه ما متأسفانه به جانبازان نیز توجه کافی نمی‌شود چه برسد به کسی که دارای معلولیت جسمی است. در این جامعه برای یک فرد دارای معلولیت خیلی سخت است که بتواند در حوزه هنر و تئاتر رشد کند، چون مردم کمتر او را می‌پذیرند و به او اعتماد می‌کنند. البته احمد به حرف من گوش نداد و خوشبختانه توانست در این حوزه موفق باشد. شاید هنوز به اهدافی که در نظر دارد نرسیده باشد ولی تلاش خود را می‌کند. او آرزویش این است که روزی بهترین فیلمساز جهان شود و من مطمئن هستم که خواهد شد.

چه آرزویی برای او دارید؟

به نظر من احمد انسان بسیار خلاق و خوش فکری است. سوژه‌هایی به ذهنش می‌رسد و مطرح می‌کند که شاید هیچ نویسنده و کارگردانی تا به حال به فکرش نرسیده باشد، البته این سوژه‌ها باید پخته و اجرایی شوند. تنها آرزوی من موفقیت احمد است.



زمزمه

چون سر کویت دمی دیده رسانم بدان
چشم سپارم تو را یا که سپارم روان
بر سر زلفت هزار پای به بند است لیک
پای نرانم دگر خواه تو کش ور رهان
جام نه بر کام ما شام نه بر خواب ما
نیست دگر جز توام جمله ز عالم نشان
گر ز فراق دمی ناله سر ارم همی
دوش به تیغم ستان خوار مر این تیره جان
شمع سحر گر خموش گشت، مرا این سخن
بس که ز رخسار تو دوش گذارم شبان
شرح غلام است و شه وصف تو گفتن مرا
تا چه کرم بنده را گشت ز لطف شهبان
گر بر این خسته دل چند گذاری قدم
پای بر این چشم نه لایق اگر میتوان



سعید محمودی

خیز تا بر می و پیمان ره دیدار کنیم
چشم زان سلسله‌ی زلف پریشان نگار
خیز تا بر ره این بادیه تا آن دگر
خیز تا بر قدحی خاطر آشفته‌ی خویش
تا چه گردد بر این دیر فنا جمله سپهر
عارض بر کف مسکین چه بود پاک تنی
شام بر جلوه‌ی آن دیده‌ی بیمار کنیم
جام داریم و بدان حلقه‌ی پندار کنیم
عزم سودای رخ آن مه عیار کنیم
چو بر دیده‌ی مستانه‌ی دلدار کنیم
خیز کین دیر غلام ره دلدار کنیم
خیز وین چند نثار گذر یار کنیم

معلولان در آینه رسانه

سیامک زارعی، وکیل پایه یک دادگستری
(دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم و تحقیقات فارس)

چکیده:

گسترش جوامع بشری و افزایش روز افزون تعداد افراد معلول خصوصا در کشورهای فقیر در حال توسعه باعث گردیده که موضوع حقوق افراد دارای معلولیت به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های جوامع امروزی محسوب گردد.

برخوردهای مناسبی با معلولیت یکی از زشت‌ترین حالت‌ها از بازنمایی واقعیت‌های جامعه معلولان می‌باشد. ما باید زمینه ورود معلولان به زندگی عادی را تسهیل کنیم نه فقط در برنامه‌های خاص معلولان، که در آثار عمومی رسانه‌ای هم باید از تولیدات معلولان استفاده کنیم. از نظر ما قدرت رسانه، قدرت والا و بزرگی است. آنچه که افراد دارای ناتوانی از رسانه انتظار دارند آن‌طور که خانم کارل رز محقق انگلستانی در سال ۱۹۹۷ بر اساس پژوهش به دست آورده این است: در یک کلمه (احترام یا ملاحظه) احترام به نوع معلولیت و توانایی‌های متفاوتی که دارند است.

کلید واژه‌ها:

معلولان - معلولیت - کنوانسیون - رسانه

مقدمه:

گسترش جوامع بشری و افزایش روز افزون تعداد افراد دارای معلولیت خصوصا در کشورهای فقیر در حال توسعه باعث گردیده که موضوع حقوق افراد دارای معلولیت به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های جوامع امروزی محسوب گردد. بی‌شک آن‌چه که در این میان اهمیت فراوانی دارد، برخورد حقوقی با موضوع معلولیت می‌باشد و نگاه‌ترحم‌آمیز و بعضا صدقه‌ای جهت رفع نیاز این بزرگ‌ترین اقلیت، باعث گردیده که اغلب از دسترسی به حقوق اساسی و بنیادین خود دور نگه داشته شوند. با صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸، جامعه جهانی کوشید اصل ممنوعیت تبعیض در برخورداری انسان‌ها از حقوق بشر را به دولت‌ها تفهیم نماید و پس از آن به زنان، کودکان، اقلیت‌ها و اشخاص دارای معلولیت توجهی خاص داشته است. از اوایل دهه هفتاد میلادی به بعد توجه جوامع بین‌المللی به این قشر بیشتر گشته به نحوی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اعلام سال ۱۹۸۱ به عنوان سال جهانی معلولان اولین قدم را

برداشت. پس از آن در آسیا از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ دهه معلولان آسیا نامگذاری گردید و اروپاییان نیز سال ۲۰۰۳ را سال معلولان اروپایی نام نهادند. سرانجام در واپسین روزهای سال ۲۰۰۶ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت شکل گرفت. با تصویب این کنوانسیون برای کشورهای عضو، یک تعهد بین‌المللی ایجاد گردید که کشور جمهوری اسلامی ایران نیز به لحاظ پیوستن به این کنوانسیون از این مقوله مستثنی نمی‌باشد. چرا که کشورهای عضو بایستی ضمن اصلاح قوانین و یا تصویب قوانین جدید ساختارها و نهادهای لازم جهت اجرای این کنوانسیون را در داخل کشور خود فراهم نمایند. هر چند که قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در کشور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳ تصویب گردیده، علی‌رغم کاستی‌ها و نقاط ضعف فراوان در قانون آن‌چه که فقدان آن احساس می‌گردد مسئله اجرای قانون می‌باشد چرا که حتی از بعد فلسفی این مساله حائز اهمیت است که اعمال حقوق و نه فقط اعلام آن، جزء لاینفک و ذاتی وجود حقوق است و حقوق بدون نقش و تاثیر اصلا حقوق نیست.





لازم که حق شهروندان است را در اختیار آنها قرار دهد و اگر جامعه این محرومیت را به معلولان تحمیل نکند، معلول دیگر ناتوان نخواهد بود. وارد کردن مبحث رسانه در نحوه بازنمایی معلولان و در تغییر کیفیت زندگی معلولان واجب است. نحوه تعامل رسانه و مطبوعات با معلولان و معلولیت قابل تامل و مطالعه است و کوتاهی‌هایی هم در حوزه پژوهش و برنامه‌های دانشگاهی و رسانه‌ای در این زمینه شده است. ما معمولاً از کنار برخی واژه‌ها و کلمات به سادگی می‌گذریم اما بهتر است برای بررسی بازنمایی چهره واقعی معلولیت در رسانه‌ها و جامعه به این مفهوم بیشتر توجه کنیم. ما معلولان را یک گروه اجتماعی قلمداد می‌کنیم. گروه اجتماعی از نظر جامعه شناختی صرفاً یک کمیت نیست بلکه برای تعدادی از مردم که قرار است سرشماری شوند آمار و عدد کاربرد دارد. بنابراین منظورمان از گروه اجتماعی تعدادی از انسان‌ها است که درون یک کل از جامعه زندگی می‌کنند و مثل تمام گروه‌های دیگر که از ابعاد فیزیکی و روانی مختلف برخوردارند، اینها هم دارای حق و حقوق خاص خود هستند.

برخوردهای مناسبی با معلولیت یکی از زشت‌ترین حالت‌ها از بازنمایی واقعیت‌های جامعه معلولان می‌باشد. در طول سال و آن هم یک روز به طور نمادین در روز معلولان و یا جانباز به یک آسایشگاه سرکشی و افراد را در معرض نمایش قرار می‌دهند، در حالیکه در ۳۶۴ روز دیگر سال اینها به بوته فراموشی سپرده شده و کاری برای این گروه‌های اجتماعی صورت نمی‌گیرد. این نحوه تولید محتوا در رسانه یک نوع بازنمایی توریستی یا فرهیخته‌نمایی از معلولان است در حالی که ما حاضر نیستیم یک مجری و گوینده یا خبرنگار معلول را در تلویزیون نشان دهیم، ما باید زمینه ورود معلولان به زندگی عادی را تسهیل کنیم ما نه فقط در برنامه‌های خاص معلولان، که در آثار عمومی رسانه‌ای هم باید از تولیدات معلولان استفاده کنیم. متأسفانه در اغلب موارد سینمایی یا تلویزیونی هیچگاه یک فرد معلول را در موقعیت یک فرد

معلولان و حقوق پیش بینی شده آنها در قوانین بین‌المللی و داخلی از یک سو و وضعیت اجرای حقوق آنها از سوی دیگر پرسش‌های فراوانی را پیش رو دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

* آیا حقوق مندرج در اسناد بین‌المللی برای معلولان کافی است؟

* آیا زمینه تحقق حقوق بین‌المللی در قوانین داخلی کشور فراهم گردیده است؟

* آیا قوانین بین‌المللی و داخلی دارای ضمانت اجرای لازم و کافی می‌باشند؟

یکی از مهم‌ترین مواد قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، ماده ۱۲ این قانون می‌باشد که در این ماده به فرهنگ‌سازی در خصوص معلولان و شناخت نیازهای آنان پرداخته شده است. حسب ماده ۱۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است حداقل ۲ ساعت از برنامه‌های خود را در هر هفته در زمان مناسب به برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندی‌های معلولان اختصاص دهد. چنانچه از سال تصویب این قانون تاکنون و بر مبنای ماده یاد شده، صدا و سیما به این وظیفه قانونی خود عمل کرده بود طبیعتاً تغییر نگرش مردم را نسبت به پدیده معلولیت و معلولان شاهد بودیم. شاید اغلب مشکلات معلولان به واسطه عدم شناخت نیازهای آنان توسط اجتماع می‌باشد. وقتی که صحبت از معلولیت شد بایستی ارگان‌های متولی امور فرهنگی نسبت به تغییر رویکرد مردم در باورهای قالبی نسبت به معلولان اقدام نمایند چرا که معلولیت نه به عنوان هویت فرد دارای معلولیت و تمامیت او بلکه به عنوان یکی از خصوصیات و محدودیت‌هایی که فرع بر شخصیت انسانی او می‌باشد بایستی تعریف شود. البته وقتی صحبت از محدودیت می‌شود بایستی این مطلب را مد نظر قرار دهیم که جامعه معلول می‌باشد نه فرد. چرا که جامعه نتوانسته امکانات

اقدامات تبعیض‌آمیز، نگرش‌های منفی از سر ناآگاهی و جهالت در برابر فعالیت‌های روزمره خود در امور مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... با مشکل جدی و اساسی روبه‌رو هستند و از مشارکت کامل در فعالیت‌های زندگی بازمانده‌اند. هرچند که در این میان نقش فرهنگی صدا و سیما به عنوان یک مقوله اساسی و تاثیرگذار مغفول مانده است.

کاملاً واضح است که زن‌های معلول به صورت مضاعف در اجتماع محروم هستند. آنها از فعالیت‌های مختلف به دو دلیل؛ جنسیت و معلولیت محروم می‌باشند.

نگاهی به کنوانسیون جامع حقوق معلولان

حدود ۳ سال پس از تصویب قانون جامع حمایت از معلولان در ایران در دسامبر ۲۰۰۶ کنوانسیون جامع حقوق معلولان در مجمع عمومی به تصویب رسید و از اول مارس ۲۰۰۷ برای امضاء کشورها آماده شد. هرچند که کشور جمهوری اسلامی ایران نوعی پیشگامی را در تصویب قانون جامع حقوق معلولان داشته اما قانون صرفاً گره‌ای از مشکلات معلولان باز نخواهد شد بلکه آنچه فقدان آن احساس می‌شود توجه جدی به مساله اجرای قانون می‌باشد و اساساً حقوق بدون نقش و تاثیر اصلا حقوق نیست.

هدف کنوانسیون ارتقاء، حمایت و تضمین بهره‌مندی برابر و کامل افراد دارای معلولیت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ارتقاء احترام نسبت به منزلت ذاتی آنها می‌باشد. (ماده ۱ کنوانسیون)

اما آنچه را به عنوان بررسی تطبیقی با موضوع مورد بحث می‌توان انجام داد ماده ۱۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان و ارتباط آن با ماده ۸ کنوانسیون جامع حمایت از حقوق معلولان می‌باشد قبل از ورود به مبحث اصلی ابتدا توضیحاتی راجع به کنوانسیون و تعهدات کشورهای عضو ضروری به نظر می‌رسد.

کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت هشتمین سند حقوق بشری سازمان ملل و اولین سند حقوق بشری قرن ۲۱ محسوب می‌شود. این معاهده به نظر طراحان و تنظیم‌کنندگان آن

عادی ندیده‌ایم. مثلاً یک مدیر، یک وزیر و یک معلم هم می‌تواند دارای معلولیت باشد. آنچه به عنوان آفت، تولید محتوا درباره معلولان را تهدید می‌کند، سوژه‌گزینی این افراد است. چنانچه قرار باشد تولیدی راجع به معلولان داشته باشیم، سوژه‌های به نام معلولیت را در قالب فیلم، عکس، داستان و یا گزارش تصویری شکار می‌کنیم، تا کنجکاوای خود و مخاطب را برطرف نماییم. یادمان نرود به عنوان یک مسلمان که البته بیشتر نام مسلمانی را یدک می‌کشیم و در یک جامعه اسلامی، برخوردهای مناسبی آن هم از سر رفع تکلیف زینده جامعه اسلامی ما نخواهد بود. امید که متولیان امر، خاصه فیلم‌سازان و کارگردانان با خلق بیشتر آثار زیبای رسانه‌ای و سینمایی این جامعه خاموش را به خاستگاه اصلیش (برابری افراد در یک جامعه) برسانند. اگر چه تصویری که رسانه‌ها از معلول و معلولیت در جامعه نمایش می‌دهند، در سینما خیلی موفق‌تر و علمی‌تر بوده، اما در صدا و سیما بسیار نامطلوب نمایش داده شده است. محسن حسینی طه که ویلاگ هم می‌نویسد درباره این نوع برنامه‌های صدا و سیما نوشته بود: این‌که مردم در خیابان جلوی ما می‌آیند و پول می‌دهند و خدا را شکر می‌کنند که سالم‌اند من را نگران نمی‌کند، بلکه باید تلویزیون اصلاح شود. رسانه ملی ما، معلولان را آدم‌های بیچاره و بدبختی قلمداد می‌کند که حتی نیازمند به پیامک نذری هستیم. از نظر ما قدرت رسانه، قدرت والا و بزرگی است. اهمیت رسانه‌ها به عنوان فرستنده پیام یا امواج‌های ذهنی که ممکن است روزی به کلیشه، فرهنگ و عمل انسانی یا اجتماعی تبدیل شوند، روزافزون است. پژوهشگران علوم ارتباطات اجتماعی در این‌باره معتقدند که پیام‌های برجسته شده یا مورد تاکید و اصرار دائمی یا مقطعی قرار گرفته رسانه‌ها، کم‌کم تبدیل به کلیشه می‌شوند و در ذهن و اندیشه مخاطب جای می‌گیرند در این هنگام است که نگرش‌ها ایجاد، گاهی اصلاح و یا تغییر می‌یابند.

با وجود پیشرفت بسیار زیاد و مهم بشری در قرن ۲۱ به دور از انصاف و عدالت است که دنیا هنوز برای افراد دارای معلولیت هموار نگردیده‌است. عده کثیری از معلولان در سراسر دنیا همچنان به دلیل موانع فراوان به اشکال مختلف هم‌چون



حقوق جدیدی را برای افراد دارای معلولیت ایجاد نمی‌کند بلکه هدف آن است که دولت‌های عضو پس از قبولی معاهده به لحاظ نظام داخلی به‌گونه‌ای عمل کنند که تبعیض علیه معلولان رفع گردد. هرچند پیوستن به این کنوانسیون همچون بعضی معاهدات حقوق بشری که دولت ایران بدان پیوسته دولت محتاطانه و با احتیاط رفتار کرده و این کنوانسیون را با اعمال حق رزرو (حق شرط یا تحفظ) پذیرفته یعنی با آوردن عبارت کلی: به شرط عدم مخالفت با موازین حقوقی جاری. افزون بر این

خود معاهده حق رزرو را منع کرده است و این از ویژگی‌های حقوق بشری و رفع تبعیض این کنوانسیون می‌باشد. مخلص کلام اینکه: کشورهای عضو بایستی ضمن اصلاح قوانین و یا تصویب قوانین جدید ساختارها و نهادهای لازم جهت اجرای این کنوانسیون را در کشور خود فراهم نمایند. طبق پروتکل الحاقی (جمهوری اسلامی ایران به این پروتکل الحاقی نپیوسته است) چنانچه فردی از کشورهای عضو دلیل بیاورد که حقوقش نقض و یا قربانی تضييع مفاد کنوانسیون شده می‌تواند از طریق کمیته حقوق معلولان اقدام نماید. (ماده ۱ پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت) لازم به ذکر است طبق بند ۲ همان ماده مکاتبات در مورد دولت‌هایی که عضو پروتکل حاضر نمی‌باشد نمی‌بایست دریافت شود.

اصل قابلیت دسترسی

این اصل با هدف برطرف نمودن موانعی که مانع از بهره‌مندی افراد دارای معلولیت از حقوق خود می‌گردد اعمال می‌گردد. این اصل نه تنها به دنبال دسترسی جسمی بلکه دسترسی به اطلاعات، فن آوری، شبکه جهانی (اینترنت) ارتباطات و زندگی اقتصادی و اجتماعی مربوط می‌گردد. عدم دسترسی به اطلاعات و یا عدم تحرک آزاد، معلولان را از دسترسی به سایر حقوق خود باز می‌دارد. در این بین شاید بتوان اشاره به مواد ۸ و ۹ کنوانسیون نمود. ماده ۸ کنوانسیون با اشاره کلی راجع به آگاه‌سازی است و ماده ۹ راجع به اصل پیش گفته (دسترسی) است. بنابر آنچه گفته شد حسب ماده ۱۲ قانون جامع حمایت از معلولان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف به فرهنگ‌سازی با ساخت برنامه‌های مناسب راجع به توانمندی‌های معلولان باید ایفای نقش نماید اما اینکه در این خصوص این سازمان تا چه اندازه موفق بوده بایستی مورد قضاوت جامعه هدف (معلولان) مردم و کارشناسان و متخصصان این حوزه قرار گیرد که مطالب در حد بضاعت ارائه گردید.

بند دوم قسمت (ب)، (پ)، و (ت) از ماده ۸ کنوانسیون صراحتاً به بیان فرهنگ‌سازی و ترغیب و تشویق آحاد مردم از طریق ارکان رسانه‌ای راجع به حقوق افراد دارای معلولیت پرداخته که این موضوع دقیقاً با ماده ۱۲ قانون جامع منطبق بوده و با پذیرفتن کنوانسیون به عنوان حقوق داخلی این دو ماده هیچ گونه تعارضی با یکدیگر ندارند. اما اصل دسترسی برابر به خدمات و اطلاعات برای تمامی افراد بدون در نظر گرفتن

حسب ماده ۱۲ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است حداقل ۲ ساعت از برنامه‌های خود را در هر هفته در زمان مناسب به برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندی‌های معلولان اختصاص دهد. چنانچه از سال تصویب این قانون تاکنون و بر مبنای ماده یاد شده، صدا و سیما به این وظیفه قانونی خود عمل کرده بود طبیعتاً تغییر نگرش مردم را نسبت به پدیده معلولیت و معلولان شاهد بودیم

توان جسمی، حرکتی و حسی آنهاست. این پدیده با نفوذ در زندگی مردم نقش تحرک و برتری‌های بدنی افراد در دسترسی به خدمات را از میان می‌برد و محرومیت ناشی از معلولیت را به دسترسی و توانمندی بدل می‌کند. علاوه بر این گسترش دانش و اطلاعات و تسهیل دسترسی موجب افزایش آگاهی جامعه معلولان می‌گردد. ماده ۱ قانون جامع نیز دولت را موظف به ایجاد زمینه‌های لازم برای تامین حقوق معلولان نموده و دولت باید اقدامات لازم در راستای حمایت از حقوق همه جانبه معلولان را فراهم آورد اما آنچه که از روح قوانین موجود استنباط می‌شود این که قوانین مطلوبی در راستای حمایت از حقوق

معلولان وضع گردیده که بیشتر تاکید بر واژه انسان بودن داشته و سپس بیان تفاوت‌ها. اما آنچه که موجب آزردن شدن روح می‌گردد و مایه تاسف این که هیچ کدام از این قوانین چه در سطح ملی و چه بین‌المللی از ضمانت اجرای لازم و کافی بهره مند نیستند.

نتیجه گیری:

شاید اغلب مشکلات معلولان به واسطه عدم شناخت نیازهای آنان توسط اجتماع می‌باشد. معلولیت نه به عنوان هویت فرد دارای معلولیت و تمامیت او بلکه به عنوان یکی از خصوصیات و یا محدودیت‌هایی که فرع بر شخصیت انسانی او می‌باشد بایستی تعریف شود البته اگر جامعه این محرومیت را به آنان تحمیل نکند، دیگر ناتوان نخواهند بود. اهمیت رسانه‌ها به عنوان فرستنده پیام یا امواج‌های ذهنی که ممکن است روزی به کلیشه، فرهنگ و عمل انسانی یا اجتماعی تبدیل شوند، روزافزون است. پژوهشگران علوم ارتباطات اجتماعی در این باره معتقدند که پیام‌های برجسته شده با مورد تاکید و اصرار دائمی یا مقطعی رسانه‌ها قرار گرفته، کم‌کم تبدیل به کلیشه می‌شوند و در ذهن و اندیشه مخاطب قرار می‌گیرند. در این هنگام است که نگرش‌ها ایجاد، گاهی اصلاح و یا تغییر می‌یابند. هر چند تصویری که رسانه‌ها از معلول و معلولیت در جامعه نمایش می‌دهند در سینما خیلی موفق‌تر و علمی‌تر بوده اما تا کنون در صدا و سیما نامطلوب نمایش داده شده است.

منابع و مأخذ:

- ۱- اسدی طاری، سعید جباری و مصطفی قوانلو قاجار، مطالعه بازنمایی چهره معلولان، در ۲۰ فیلم سینمایی ایرانی و خارجی، کانون پژوهش‌های علوم ارتباطات اجتماعی، چاپ اول پاییز ۱۳۸۸
- ۲- زارعی، محمد امین، مجموعه گفتارهایی درباره رسانه و معلولیت، ناشر روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، چاپ اول پاییز ۱۳۸۸
- ۳- نادر غنی‌زاده، علی رضا مقدمی و محمد جعفریان، دسترسی الکترونیک برای افراد کم توان، ناشر اداره کل روابط عمومی سازمان بهزیستی کشور، سال انتشار: ۱۳۸۷
- ۴- نباتی، نگار، اشخاص دارای معلولیت در نظام بین‌المللی حقوق بشر، ناشر موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول ۱۳۸۹